

صحیح نشده و زمینه صحیح بدست نیامده است در این صورت من نمی دانم این سیصد هزار تومان را از روی چه مأخذ نوشته اند و این ماده هیچ فرقی نکرده و باز همان سیصد ملیون تومان را که در شور اول نوشته بودند حالا هم هست فقط اسم رود کارون به گورنک مبدل شده و شکل عبارت تغییر کرده ولی اصل مطلب همان است که در شور اول هم بود بنده نمی دانم اگر همان قسمی که فرمودند هنوز مهندسی نشده است و هنوز این مسئله تمام مجاری خودش را طی نکرده است از روی چه اساسی این سیصد هزار تومان را میزان گرفته اند و همین ماده ثانی بهترین دلیل است که این سیصد هزار تومان از روی مأخذ صحیح نیست برای چه برای این که در آخر ماده دوم گفته می شود و در صورت عدم موفقیت کلیه سیصد هزار تومان به عهده اهالی است و بدولت وجهی تعلق نخواهد گرفت این عبارت کاملاً می رساند که یک چیزی ندانسته و تحقیق نشده از روی یک خیالی پیشنهادی شده است بنده عرض می کنم چرا عاقل کنند کاری که باز آرد پشیمانی چرا این جا یک چیزی را پیشنهاد کند و بگویند اگر نشد ضرری متوجه دولت نمی شود پس بهتر این بود در صورتی که تصور می کنند این کار صورت نمی گیرد مبلغ را هم معین نکنند و بطور کلی بنویسند هر چه خرج شد تعلق با اهالی باشد بدون اینکه اسمی از مبلغ برده شده باشد و در قسمت های دیگر هم عرایضی دارم که در موقع خود عرض خواهم کرد بنده یکی از نمایندگان همین ملاکین را در دوسه روز قبل ملاقات کردم و به طوریکه اظهار می کردند معلوم می شود آنها هم با یک نظریه خیلی وسیعی این پیشنهاد را کرده اند و غالب آن چیزهایی را که ما می خواهیم احتیاط کنیم آن ها هم قبلاً احتیاط کردند ولی بدبختانه یا در وزارت فوائد عامه یا در کمیسیون این شرح و بسط از نظر افتاده است بهر صورت خلاصه عرض بنده این است که بهمان دلیلی که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند هنوز مهندسی صحیح نشده و آقایان دیگر هم مدافع بودند همین نظر را داشتند

بنده نمی دانم با این ترتیب تعیین این سیصد هزار تومان چه صورت دارد بنابر این عقیده دارم نوشته شود هر قدر خرج می شود به عهده مالکین خواهد بود

مخبر - آقای ارباب کیخسرو می فرمایند وزیر فوائد عامه و کمیسیون قائل نشده اند که از روی صحت مهندسی شده البته

فراموش نفرمودند که مکرر گفته شد در چند سال قبل مهندس رفته و خرج را بر آورد کرد و یک نفر مهندس روس هم رفته است و مبلغ مخارج را به چهار صد هزار تومان تعیین کرده است و خود اهالی اصفهان هم دقت هائی بعمل آورده و همچو ملتفت شده اند که از بیش سیصد هزار تومان مخارج ندارد بنابر این دقت هائی که بایستی عاده کرده باشند مخارج را سیصد هزار تومان در نظر گرفته اند

بنده نمی دانم آیا مقصود آقای ارباب این است که باید یک کسی ذمه دار بشود که بیش از سیصد هزار تومان یا کمتر نشود البته اگر مقصودشان این است این طریق نخواهد شد و اگر مقصود این است که از روی بصیرت و تصدیق یک نفر مهندس و اهل اطلاع مخارج را معین نمایند که این مقصود بعمل آید و چنان که عرض کرده ام حالا هم عرض می کنم در وزارت فوائد عامه ملتزم است قبل از آن که شروع بعمل نماید مهندسین و ارباب اطلاع عمل فرستاده و تحقیقات لازمه نمایند اگر دیدند عملی است و خسارت زیادی وارد نمی آورد آن وقت مشغول عمل می شوند و این را هم تعیین بدانید قبل از این که اقدام باین عمل کنند شروع بکار نمی کنند و پول دهندگان هم پول نخواهند داد بنا بر این گمان می کنم اعتراض آقای ارباب هم مرتفع شود دیگر این که می فرمایند بطور کلی نوشته شود هر مبلغ خرج می شود بوزیر فوائد عامه اعتبار داده شود که این کار را بکنند بنده عرض می کنم نه دولت می تواند بطور کلی یک چنین پیشنهادی بدهد و نه مجلس می تواند تصویب کند شاید یک چیز هائی اتفاق افتاده مثلا احتراقی در کوه پیدا شد یا حوادث دیگری اتفاق افتاد که مخارج آن بیش از این باشد آن وقت مردم از عهده بر می آیند نه دولت تکلیفش را می فهمند و در این صورت مجلس شورای ملی چه طور می تواند بیک امر غیر محدودی رای بدهد دولت هم چه اقدامی بکند می فرمایند نمایندگان ملاکین که این پیشنهاد را کرده اند یک احتیاط هائی بعمل آورده اند و بوزیر هم گفته اند و معلوم نیست چرا وزارت فوائد عامه و کمیسیون در نظر نگرفته اند عرض می کنم که نماینده آن ها هم در کمیسیون حاضر شد و اظهارات خود را کرد و بوزیر هم گفتند و با همان احتیاط هائی که منظور داشته اند و هر پول دهنده باید منظور بدارد این دقت هارا کرده اند و کمیسیون هم با نهایت دقت در اطراف مسئله دقت نموده و این لایحه را تصویب کرده است این بود عرایض بنده

رئیس - گویا آقای کروی هم

مخالف باشند؟

حاج شیخ محمد کروی - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید

کروی - مقصود از الحاق آب کارون بزیانده رود ممکن فایده و نتیجه اش این باشد که از این الحاق آب زیانده رود اتساعی پیدا کرده و اهالی نمتعی از پرتو این امر ببرند و دولت هم انتفاعی حاصل کند ولی یک مرتبه می شود این طور تصور کرد که پس از اینکه دولت چنین کاری را کرد خودش مالک بشود و آب را بفروش برساند پس بعقبه بنده مقصود باید واضح باشد چون این مطلب یکی از فروع اساس این کار است بعضی با آن مقصد موافقت می کنند و بعضی با این مقصد پس خوب است مخبر محترم توضیح بدهند که بعد از حصول نتیجه این آب مال دولت خواهد بود و اجاره خواهد داد و یا اینکه خیر زیانده رود شده و مردم از آن منفع خواهند شد و از فوائد عامه آن ها دولت هم منفع خواهد شد باید این را قید کرد و این مطلب یک ماده جدا گانه لازم دارد و بنده پیشنهادی در این خصوص تقدیم می کنم

مخبر - حکمش حکم رود زیانده رود و سایر آب های رود خانهائی است که جاری است

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی مخالف هستید

عماد السلطنه - بلی

رئیس - بفرمائید

عماد السلطنه خراسانی - بطوریکه در شور اول عرض کردم بنده اساساً مخالف با الحاق رود کارون بزیانده رود نیستم ولی این پیشنهاد را ناقص می دانم زیرا اولاً راجع بتعیین مبلغ بطوری که آقای وزیر فوائد عامه در جلسه گذشته اظهار کردند باز دیده نشده است که مخارج چه مبلغ خواهد بود ممکن است مبلغی خسارت با اهالی وارد آید آن وقت بی نتیجه هم بماند و بنده تصور می کنم بهتر است بنویسند آنچه خرج شد دو قسمت را مالکین بدولت فرض بدهند و دولت در مدت معین بپردازد و یک قسمت را هم خود مالکین متحمل شوند و الا با این ترتیب ممکن است یک مبلغی ملاکین خرج بکنند و آب هم جاری نشود یک خرج بیهوده شده و تعجیل بدلاکین اصفهانی بشود

مخبر گمان می کنم اگر قدری دقت بفرمائید اشخاصی که پول می دهند یقیناً بیشتر از بنده و جناب عالی و دولت دقت میکنند این یک امر طبیعی است و گمان نمی کنم تا این اندازه ما محتاج با هم

برای پول دهندگان دلسوزی کنم آنها برای خودشان بیشتر دلشان می سوزد و شما یقین بدانید آن ها خودشان اطراف مسئله را کاملاً ملاحظه کرده اند و با رعایت صرفاً خود این پیشنهاد را کرده اند

رئیس - آقای آقا سید فاضل موافقت؟

آقا سید فاضل - بلی

رئیس - آقای سلطان العلماء هم موافقت؟

سلطان العلماء - بلی بنده هم موافقت

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا چه طور؟

محمد هاشم میرزا - بنده سئوالی دارم

رئیس - موافق نیستید

محمد هاشم میرزا - خیر؟

رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - راجع بآب کارون پریروز آقای وزیر فوائد عامه عقیده شان این بود که پس از الحاق آب مال دولت خواهد بود و بنده هم بهمان مناسبت یک پیشنهادی کردم و خوانده نشده و اصلاً معلوم نشد رد شده یا قبول شده و حالا بطور مطلق گفته می شود این آب مال دولت نخواهد بود و معلوم نیست مال دولت است یا نه در حالیکه این مسئله جز اصول مسلمه است نمی دانم چه طور آقای مخبر بطور کلی میفرمایند مال دولت نیست؟

مخبر - بنده گویا عرض نکردم مال دولت است یا مال دولت نیست عرض کردم حکمش حکم آب زیانده رود و سایر آب ها است و بنده هنوز نمی دانم این آب ها چه معنی مال دولت است و به چه معنی مال ملت است بیک اعتبار مال دولت است و بیک اعتبار مال ملت

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده موافقت؟

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی چه طور؟

دولت آبادی - بنده هم موافقت؟

رئیس - آقای عماد السلطنه طباطبائی هم موافقت؟

عماد السلطنه - بلی موافقت؟

رئیس - آقای زنجانی گویا مخالفند؟

آقای شیخ ابراهیم زنجانی خیر موافقت؟

رئیس - آقای سید ابوالکلام هم موافقت؟

سید المملك - بلی بنده موافقم؟
رئیس - آقای محقق العلماء؟
محقق العلماء - موافقم؟
رئیس - آقای آصف المملك
موافقت؟

آصف المملك بلی موافقم
رئیس - آقای تدین هم موافقت؟
آقای سید محمد تدین - بلی بنده نیز موافقت

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
چه طور
آقا سید یعقوب - همه موافقت؟

رئیس - آقای مدرس موافقت؟
آقای سید حسن مدرس - بلی
رئیس - پس مخالفی نیست
(اظهاری نشد)

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - ماده قرائت می شود و رأی می گیریم

(آقای سهام السلطان
بشرح ذیل خواندند)
(۱) مجلس شورای ملی برای تهیه

وسائل الحاق آب کوه رنگ بزاننده رود
و مبلغ سبصد هزار تومان بوزارت فوائد
عامه اعتبار می دهد

رئیس - آقایانی که این ماده را
تصویب میکنند قیام فرمودند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد .. ماده دوم قرائت
می شود
(آقای سهام السلطان بترتیب ذیل
قرائت نمودند)

۲ - دویست هزار تومان از مبلغ
مزبور بوزارت مالیه از اهالی اصفهان
استقراض نموده بعد از جریان و الحاق آب

کوه رنگ بزاننده رود در ظرف ۱۵ سال
باقسط متساویه از بابت مالیات اصفهان محسوب
و به آنها مسترد خواهد داشت و یکصد

هزار تومان آن بلاعوض بعهده خود اهالی
خواهد بود و در صورت عدم موفقیت کلیه
سبصد هزار تومان بعهده اهالی است و به

دولت وجهی تعلق نخواهد گرفت
رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - بنده نمی فهمم
چرا صد هزار تومان اعانه از اهالی اصفهان
برای این کار باید گرفت خوب است دولت

این بودجه را خرج کند و از منافعی که
عاید مردم می شود يك منافعی عاید دولت
بشود چون خیلی از اراضی که از زاینده

رود مشروب می شود بوا - هله کم آبی باثر
افزاده است حالا که خیال دارند رود کوه
رنگ را بزاننده رود ملحق نمایند چرا باید

بلاعوض صد هزار تومان با اهالی اصفهان

تعمیل شود بعلاوه اگر چنانچه این آب
جاری نشد چرا اهالی يك محل باید
متضرر شوند و از جیب آنها بیرون رود
تجزیه در منافع و مضار مملکت صحیح
نیست همین طور که برای مملکت اگر
مخارج زیادی پیش آید باید خزانه دولت
متحمل شده و رفع محظور کند باید اگر جزعی
هم برای يك نقطه از مملکت پیش آید تمام
اهالی بالسویه باید مشارکت کنند و متحمل
شوند و فقط اهالی اصفهان نباید متحمل
شوند که اگر فائده نشده سبصد هزار تومان
ضرر بکنند.

مخبر - بنده گمان نمیکنم که آقای
حائری زاده غیر جائز بدانند که مردم اعانه
بدولت خودشان بدهند خصوصا این اعانه

که نه قسمت فایده آن عاید خودشان میشود
و يك قسمت عاید دولت در این صورت چه
اشکالی دارد حالا که مردم حاضر شده اند

اعانه بدولت بدهند ما بگوئیم بدهند؟ گمان
نمی کنم ما چنین وظیفه داشته باشیم دیگر
اینکه میفرمایند اگر آب جاری نشد چرا

باید با اهالی يك محل غرامت وارد آید اولاً
مرض میکنم اگر این آب جاری شد در
حقیقت تمام فوایدش با اهالی اصفهان است و

آن ها وقتی ملاحظه میکنند می بینند فایده
زیاد میبرند راضی میشوند در این صورت
آیا باید بآن ها مراجعه کنیم و بگوئیم آیا

شما بعد بلوغ نرسیده اید و عقل ندارید
بعقیده بنده ما نمی توانیم قیم آن ها باشیم
قانونی است وضع میشود اگر خواسته قبول

میکند والا نمیکنند.
رئیس - آقای ارباب کب خسرو
(اجازه)

ارباب کب خسرو - در حالی که بنده
برای اظهار مخالفت اجازه گرفته بودم
لازم است راجع بیک قسمتی موافقت کنم

و از نقطه نظر موافقت دفاع کنم آقای
حائری زاده فرمودند برای چه این وجه را
اعانه بامعانی باید بدولت بدهند؟ بنده عرض

می کنم اینها هیچ کدام نیست نه اعانه است
نه معانی قرض کنید یک نفر ملک می رود
مبلغی خرج می کنند و آب قناتی را بیرون

می آورد و بعد مالیات بدولت میدهد اینهم
همان حال را دارد چه فرق می کند؟ اما در
در این ماده که نوشته شده است (دویست

هزار تومان از مبلغ مزبور را وزارت مالیه
از اهالی اصفهان استقراض نموده الخ)
بنده این را ملتفت نشدم تا بحال صحبت از

مالکین بود حالا چه طور از اهالی استقراض
می شود؟ اینکه این طور میسراند که از
تمام افراد اصفهان استقراض شود در حالی

که تصور می کنم مقصود ملاکین باشد و اگر
این طور هست باید عبارت تصحیح شود ثانیاً
راجع بکلمه استقراض کمی نویسد دولت

استقراض می نماید بنده تصور می کنم
وقتی کلمه استقراض مجرزشد کسی که قرض

کرد باید دین خود را بدهد این جا می
نویسد اگر آب ملحق نشود وجهی بدولت
تعلق نخواهد گرفت و بنده گمان می کنم
این مطلب با کلمه استقراض منافی باشد
و باید این را هم اصلاح کرد که بعد از اسباب
زحمت نشود چون بطور کلی این جا نوشته

می شود که اگر موفق نشدند اهالی هیچ
حق بدولت نخواهند داشت در آن جلسه که
شور اول میشد یکی از آقایان اظهار

کردند ما نباید کاری بکنیم از عدم قبول
این پیشنهاد موجب دفاع سوختگی اهالی
فراهم شود بنده عرض می کنم اگر ما

این لایحه را قبول کنیم و موجباتش فراهم
نشود آب ملحق نشود بیشتر اسباب دفاع
سوختگی خواهد شد و از همین نقطه نظر

بنده پیشنهاد کردم قبلاً بروند ببینند و
دیده و دانسته هر مبلغی که خرج می شود
پیش بینی کنند تا با کمال رضا و میل رأی

بدهیم این بهتر است یا اینکه رأی بدهیم که
مردم پول بدهند آنوقت اگر متضرر شدند
بماچه؟

مردم کی هستند مردم اهالی این مملکت هستند و
ضررهای زیاد در مواقع خود متحمل شدند بنده
نمی دانم این چه شرطی است که بیائید

پول بدهید اگر آب بیرون نیاید میروید بی
کار خودتان
مخبر - آقای ارباب می فرمایند ما

نبایستی کاری بکنیم که اسباب دفاع
سوختگی مردم فراهم شود بنده گمان می
کنم مخالفت ما بیشتر اسباب دماغ سوختگی

آنها می شود يك عده مردم با کمال میل
يك پیشنهادی کرده اند و بقول آقای
آقای سید یعقوب گمان می کنند این پیشنهاد

با هاله و شادی پذیرفته می شود حالا
مخالفت میکنم و می گوئیم چرا با آنها
ضرر بخود در این صورت قائل شده ایم که

آنها نمی فهمند و حفظ پول خودشان را نمی
کنند در صورتی که این طور نیست و تصور
می کنم دماغ آنها سوخته نمی شود اگر هم

بشود چون مبادرت از طرف خود آنها
شده است ملت ندارد و حق اعتراض بر ما
نخواهد بود و اگر ما نپذیریم دماغ شان

سوخته می شود دیگر این که می فرمایند
سابق (ملاکین) نوشته شده بود چرا حالا
(اهالی اصفهان) نوشته شد عرض می کنم

بلی اهالی است و اشتباه نموده برای
اینکه اگر در این پول اهالی تهران هم
شرکت کنند دولت خواهد پذیرفت و

انعصاری نیست البته این پول را ملاکین
خواهند داد آقا اگر غیر از ملاکین دادند و
یا پول داری باشد در طهران یا در خراسان

نه این است که دولت بسطورت اجبار
سرشکنی کند بین اهالی و بگوید بدهید
خبر هر کس داوطلب شد میدهد و اجباری
هم در کار نیست که آقای ارباب لازم
میدانند قید ملاکین بشود و دیگر این که

می فرمایند اگر چنانچه این استقراض را دولت
کرد و موفقیت حاصل نشد چرا خسارت آن
بعهده اهالی اصفهان باشد جواب این را

بنده سابقاً داده ام حالا هم باز تکرار می
کنم اولاً خود اهالی این پیشنهاد را کرده
اند و استقبال کرده اند نه اینکه اجباری

باشد
ثانیاً ملت دیگرش این است که اگر
آب جاری شد اتفاق را آنها میبرند و ثالثاً

همان طور که آقای ارباب کب خسرو مکرر
فرمودند چه فرق است بین دولت و ملت
دولت اگر دارد باید خرج ملت بکند

ملت اگر دارد خرج کند و اسباب آبادی
را فراهم سازد دیگر آنکه نه يك دینار
ضرر متوجه اهالی اصفهان می شود نه بدولت

زیرا این پول از مملکت ما خارج نمی شود
از این جیب به آن جیب داخل می شود از
این صندوق به آن صندوق می رود و يك مشت

عمله فقیر این پول ارتزاق مینمایند
رئیس - آقای محقق العلماء
(اجازه)

محقق العلماء بنده موافقم؟
رئیس - آقای مستشار السلطنه
موافقت؟

مستشار السلطنه - بلی بنده هم موافقت
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
چه طور

حاج شیخ اسدالله - موافقت با
ماده ولی با بیانات آقای مخبر مخالفم چون
باماده موافقت ندارد

رئیس - آقای عماد السلطنه
طیاً بیانی چه طور؟
عماد السلطنه - موافقت؟

رئیس - آقای عماد السلطان
خراسانی
(اجازه)

عماد السلطنه خراسانی -
از نواقص دیگری که بنظر بنده میرسد
این است که چون آقای مخبر اظهار داشتند

از طرف خود اهالی تقاضا شده لازم است در این
لایحه نوشته شود بر حسب تقاضای اهالی که معلوم
شود اینها چه نوع اشخاصی هستند که این

پیشنهاد را کرده اند و دیگر اینکه اسم اهالی
را از ماده دوم بردارند و اسم ملاکین را
بنویسند حتی عقیده بنده این است که جزء

بجزء نوشته شود که بعد از اسباب زحمت
فراهم نشود و دیگر این که باید يك ماده
هم باین لایحه راجع بتعیین تکلیف مالیات

آنها الحاق شود که بعد از آنکه رود کوه رنگ
بزاننده رود ملحق شد تکلیف آنچه خواهد

شد چون هیچ ذکر نشده است که بچه نوع مالیات اخذ خواهند کرد و بنده پیشنهادی در این خصوص عرض میکنم

رئیس - آقای محقق العلماء - اجازه
محقق العلماء - خیلی متعجب و متأسفم که چهار ماه است می بینم یکمده از معترمین اصفهان آمدند این جا زحمت ها کشیده اند و آقایان نمایندگان را هم ملاقات کرده اند و خودشان حاضر شده اند بمملکت خدمت بکنند و پول بدهند و دامن بکمر زده اند که هر چه خسارت هم وارد شود متحمل شوند فقط يك كمكی از دولت می خواهند که دوست هزار تومان بآنها كمك کند و ما مخالفت میکنیم اولاً می فرمایند استقراض با قسمت اخیر ماده منافات دارد ابتدا منافات ندارد اولاً يك كمكی بعنوان استقراضی پولی میدهد آیا بعد نمی تواند پولی را ببخشد ؟ یا کار دیگر بکنند ؟ چرا بنابراین بنده هیچ اشکالی در این ماده نمی بینم و مذاکرات زیاد هم تطویل بلا طائل است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب و آقای سید فاضل موافقت ؟
آقای سید یعقوب - اجازه میفرمائید چند کلام عرض کنم

رئیس - آقای حائری زاده مخالفید
حائری زاده - بلی
رئیس - میفرمائید

حائری زاده - بنده دو سه نقص در این ماده تصور میکنم یکی اینکه نوشته شده این استقراض از اهالی اصفهان میشود و بنده گمان می کنم این استقراض از کسانی که این آب بآنها فایده میدهد باید بشود یعنی آن کسانی که در آب خود زاینده رود هستند و کسانی که فایده نمی برند بچه دلیل باید مشارکت بکنند ؟ دیگر اینکه می فرمایند اهالی اصفهان حاضر شده اند صد هزار تومان اعانه بدهند بعضی از آنها که بهتران آمدند و بادولت مذاکره کردند و دیدند دولت برای هر چه مساعدتی حاضر نیست قبول کردند صد هزار تومان از آن را با اهالی اصفهان تحویل کنند و من اصولاً ناصیج می دانم که يك تحمیلی با اهالی بکنم در صورتی که این قبیل مسائل که وظیفه دولت است انجام بدهد و این تقریباً يك اجبار غیر مستقیم است و اینکه میفرمایند خود اهالی قبول کردند فقط چند نفری از آنها که در طهران بوده اند قبول کرده اند از کجا که اهالی اصفهان قبول کرده باشند ؟ و دیگر اینکه اعانه را نمی توان بصدهزار تومان محدود کرد و اگر اعانه باشد باید هر قدر مردم میل دارند بدهند و همان طور که آقای مخبر فرمودند ممکن است اهالی تهران و جاهای دیگر هم مشارکت کنند و این ترتیب که در محل سر شکن شود تقریباً من غیر رسم با اهالی اصفهان را بدادن اعانه مجبور کرده ایم و اعانه هم

با اجبار منافات دارد و بنده معتقدم دولت مخارج را متحمل شود اگر اهالی اصفهان یعنی آب خور زاینده رود بجا دیگر حاضر شدند يك كمك و اعانه بدهند بدیهی است که دولت قبول خواهد کرد

مخبر - عرض می کنم اگر آقا از انفاذ و صورت بیمه می می پرداختند گمان می کردم کاملاً رفع اشکالات ثان میشد اولاً اینکه میفرمایند بطور اجبار مردم تحمیل شده است ما چگونه می توانیم با اجبار از آنها بگیریم نماینده اصفهان که حضور دارند اگر اجبار بود لابد اظهاراتی میکرد آنها با کمال میل و شغف پیشنهاد کردند و میدهند و آن دقیقه که این لایحه تصویب شود تشکر میکنند دیگر اینکه می فرمایند استقراض از ملاکین است چرا اهالی نوشته شده حضرت عالی مگر اهالی را غیر از ملاکین میدانند

حائری زاده - بنده این طور عرض نکردم

مخبر - البته تصدیق میفرمائید ملاکین همان اهالی هستند و مقصود فرداً فرداً کور و اناث اصفهان نبوده بلکه مقصود یکمده از اهالی که داوطلب شدند بوده و اشکالی ندارد غرض این است که دولت دوست هزار تومان از آنها استقراض کند خرج این کار بنماید حالاً ملاکین بدهند بجا بدهند اعانه بدهند هر چه و بهر عنوانی باشد و گمان میکنم چندان اشکالی نداشته باشد

رئیس - آقای سلیمان میرزا موافقت

سلیمان میرزا - بلی
رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده متأسف هستم از کسی که فحشی خودم و تقصیری بکسی وارد نمی کنم خود بنده خیال نمی کنم که یعنی اهالی و ملاکین یکی باشد دیگر اینکه میفرمایند بعد از آنکه این لایحه تصویب شد هر کس داوطلب شد این وجه را میدهد و بنده عرض می کنم وقتیکه باین لایحه را این طور تصویب کردیم ممکن است برای اهالی زحمت فراهم شود و مامورین دولت میروند بسر اهالی میزنند و می گویند این پول را چون مجلس تصویب کرده است باید بدهید در صورتیکه عده از اهالی حاضر شده اند بدهند و پیشنهاد هم کرده اند و شاید مردمان دیگر نخواهند بدهند و اگر مردم بخواهند اعانه بدهند می دهند و لازم باین قید نیست که از تمام اهالی اصفهان گرفته شود در این جا مکرر گفته شده که ملاکین حاضر شده اند و ملاکین نماینده فرستاده اند و ملاکین چه کرده اند باین حال در این ماده می نویسد از اهالی اصفهان گرفته شود بنده می گویم اگر این لایحه بهین

ترتیب بگذرد آنوقت تحمیل بردیگران هم خواهد شد و همین جاییش بینی می کنم که از طرف اهالی عریاضی خواهد رسید که مامور دولت آمده و بزور از مایول مطالبه میکنند و میگویند مطابق تصویب مجلس است و بنا بر این تقاضای کنم اصلاً آقای مخبر قبول بفرمایند و ملاکین را بجای اهالی بگذارند

مخبر - اگر مجلس مقدس پیشنهاد آقای ارباب را قبول کند بنده البته مطاع هستم لیکن بنده قبول نمی کنم علت این است که بنده این عمل را نمی خواهم تخصیص بدهم بیک عده معدودی و بنده نمیخواهم بهیچ عنوانی قابل تخصیص بشوم
رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است اگر آقایان مذاکرات را کافی می دانند قرائت شود

(بعضی اظهار نمودند کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای آصف -
الممالك و دولت آبادی و آقای یعقوب و آقای صدرائی قرائت میشود

بنده پیشنهاد می کنم کلمه اهالی اینطور اصلاح شود « از ملاکین که از جریان این آب استفاده می نمایند »
استقراض نموده و بعد از الحاق آب کورنگ الی آخره آصف الممالك آسید یعقوب صدرائی دولت آبادی

رئیس - پیشنهاد آقای زنجانی (شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم ذیلا باین عبارت نوشته شود بعد از جریان و الحاق آب کوه رنگ زاینده رود دولت دوست هزار تومان آنرا در ظرف ۱۵ سال با قسط متساویه از مالیات داینین محسوب داشته و یکصد هزار تومان آن را داینین اسقاط خواهد کرد

(زنجانی)

رئیس - پیشنهاد آقای عماد السلطنه خراسانی (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم را بشرح ذیل پیشنهاد مینماید

۱- مخارج الحاق رود کارون بای زاینده رود پس از آن که بوسیله مهندس معین شو دو قسمت آن را دولت از کسانی که ذی دخل هستند استقراض نموده و در مدت ۱۵ سال از بابت مالیات داینین محسوب خواهد داشت و یکقسمت از آن چه مخارج شود بر عهده مالکین خواهد بود

۲- پس از الحاق آب کارون زاینده رود از طرف دولت ممیزی و اخذ مالیات خواهد شد

(عماد السلطنه خراسانی)

رئیس - پیشنهاد آقای وحید -
المالك قرائت میشود

آقای سهام السلطان قرائت نمودند بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم اینطور نوشته شود دوست هزار تومان از مبلغ مزبور را وزارت مالیه از ملاکین طرفین رودخانه بزاینده رود بنسبت فایده که از آب زاینده رود میبرند استقراض نموده الخ (وحید المالك)

رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده
حائری زاده - بنده مسترد می دارم

رئیس - پیشنهاد آقای تدین (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم از مالکین ذی نفع اصفهان و توابع (تدین)

رئیس - آقای آصف الممالك توضیحی دارید

آصف الممالك مقصود بنده همان است که آقای ارباب فرمودند مقصود این است مالیات را کسانی که از این آب استفاده می کنند باید بدهند باین جهت باید اسم ملاکین برده شود که تحمیلی بر سایر اهالی نشود اگر پیشنهاد پذیرفته نشود بعهد کلیه اهالی اصفهان خواهد بود و باید نوشته شود بعهد ملاکین خواهد بود

رئیس (خطاب بآقای تدین)
پیشنهاد جناب عالی هم با پیشنهاد آقای آصف الممالك یکی است

تدین - اجازه می فرمائید توضیح بدهم ؟

رئیس - میفرمائید

آقا سید محمد تدین پیشنهاد ایشان چون کلمه مالك دارد شامل خورده مالك نمی شود و پیشنهاد بنده چون کلامه مالك دارد اعم است از اینکه خورده مالك باشد یا ملك زیاد داشته باشد بنابراین هر کس که ملك دارد و از این آب استفاده باو میرسد باید در این پول شرکت کند اعم از اینکه ملكش كم باشد یا زیاد

رئیس آقای وحید المالك پیشنهاد جناب عالی هم بهین مضمون است

وحید المالك - بکفرق دارد و يك مطلبی است که بعقیده بنده باید ذکر شود و آن این است که باید به نسبت باشد یعنی مالکین که از آب خیلی استفاده می کنند زیاده تر باید بدهند و مالکینی که کمتر میبرند کمتر بدهند و باید ذکر شود هر قدر استفاده می کنند بهین نسبت باید پول بدهند

رئیس این فقره پیشنهاد مجدداً قرائت می شود بعد آقای مخبر اظهار رای می کنند و رای میگیریم

(پیشنهادات آقایان آصف الممالك و تدین و وحید المالك)

مجدداً قرائت شد

مخبر - بنده پیشنهاد اولی را می پذیرم

رئیس پیشنهادی هم از طرف آقای مدرس رسید قرائت می شود (آقای سهام السلطان بشرح ذیل خواندند)

پیشنهاد می کنم در دو موضع بعد از لفظ اهالی ، نوشته شود آب خور زاینده رود (مدرس)

رئیس - توضیحی دارید؟
مدرس - گمان می کنم اگر آقای مهربان قدری تأمل بفرمایند این پیشنهاد رفع تمام اشکالات را می کند چون همین طور که این آب فایده اش با اهالی آب خور زاینده رود می رسد این پول هم باید از آن ها دریافت بشود و این پیشنهاد رفع تمام اشکالات را می کند (بعضی تصدیق نمودند)

مخبر گمان می کنم با آن پیشنهاد اولی چندان ممانعتی نداشته باشد چون آن ها میگویند ملاکین ذی نفع و ایشان میفرمایند آب خور زاینده رود و بنده با پیشنهاد آقای مدرس هم موافقم
رئیس - کدام را قبول می فرمائید؟

مخبر - چون صریح تر است پیشنهاد آقای مدرس را می پذیرم
رئیس - رأی می گیریم در سایر اصلاحات

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده هم پیشنهادی کرده ام

رئیس - پیشنهاد جناب عالی راجع به دو مطلب است یکی راجع با اهالی است و یکی راجع باینکه اگر زیاد تر خرج شد به عهده کی خواهد بود

آقای میرزا ابراهیم قمی بفرمائید قرائت کنند

رئیس - توضیح بدهید تا رأی بگیریم

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده عرض می کنم اولاً هیچ فلسفه ندارد که اهالی اصفهان این پول را بدهد و از روی تقسیم باید بدهند یعنی که صد تومان باید باندازه صد تومان بدهد هزار تومان باندازه خود و بعلاوه اگر در صورت موفقیت زیادتر از سیصد هزار تومان خرج شد این لایحه معین نمیکند که کی باید بدهد خوب است توضیح بدهند که بعهده مالکین است یا بعهده دولت است

رئیس - عرض کردم که پیشنهاد جناب عالی حاوی دو مطلب است یکی راجع با اهالی است که تکلیف او در ضمن پیشنهاد آقای وحیدالملک تعیین می شود

دیگری راجع به مطلبی است که بعد باید مذاکره و رأی گرفته شود
(پیشنهاد آقای وحیدالملک مجدداً قرائت می شود)

(بمضمون سابق قرائت شد)
وحیدالملک - بنده از آقایان نمایندگان اصفهان توضیح می خواهم و آن این است که اهالی اصفهان از این آب تمتعی می برند یا نه چون اگر اهالی اصفهان از این آب تمتعی می برند پیشنهاد آقای مدرس خیلی صحیح است ولی اگر اهالی اصفهان تمتع نمی برند آنوقت آب خور رودخانه درست مقصود نخواهد رسانید و مقصود ما از این پیشنهاد این است که کلبه ملاکینی که از زاینده رود استفاده میکنند به نسبت استفاده که می کنند پول باید بدهند و بنده باین موضوع خیلی اهمیت می دهم ولی اگر کلبه اهالی اصفهان استفاده می کنند آنوقت بنده پیشنهاد خود را پس می گیریم و با پیشنهاد آقای مدرس موافق خواهم شد

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - ایراد آقای وحیدالملک در این است که به نسبت تقسیم استفاده که اهالی می نمایند اینوجه تقسیم شود البته این مسئله باید در پیشنهاد پیش بینی شود و همانطور که بنسبت می دهند همانطور هم پس می گیرند

رئیس - رأی می گیریم در پیشنهاد آقای وحیدالملک آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نموندند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای تدین باید برای گرفته شود

قدین - بنده در کلمه آب خور که فرمودند يك اشکالی بنظر من رسیده بعد معلوم شد آب خور اصطلاح آنجا است یعنی آب شر چون رفع اشکال بنده شده با پیشنهاد آقای مدرس موافقم
رئیس - پیشنهاد خود را مسترد می کند

قدین - بلی
رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای مدرس

مخبر - بنده پیشنهاد ایشان را قبول کردم

رئیس - پیشنهاد دیگری که از طرف آقای آصف الممالک و چند نفر دیگر از آقایان شده بود که کلمه اهالی ملاکین تبدیل شود رأی می گیریم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاحات دیگری است راجع به قسمت دوم ماده یکی از طرف آقای قمی است قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که بعد از جمله (یکصد هزار تومان آن را عوض بعهده) این جمله نوشته شود یکصد هزار تومان آن از روی تقسیم عایدات در عهده مالکین خواهد بود که از آب استفاده می کنند در صورت عدم موفقیت کلمه سیصد هزار تومان بعهده اهالی است و بدولت وجه تعلق نخواهد گرفت و در صورت موفقیت چنانچه از سیصد هزار تومان مخارج زیاد تر شد و نیز در عهده مالکین مزبور است میرزا ابراهیم قمی

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده عرض کردم اگر با سیصد هزار تومان موفقیت حاصل نشد و زیاد تر خرج شد آن مخارج بعهده کی خواهد بود و این ماده كمك هست و معلوم نمی کنند که در عهده کیست بنابراین بنده پیشنهاد کرده ام بعهده مالکین باشد

رئیس (خطاب بمخبر) در این باب چه می فرمائید

مخبر - مکرر عرض کردم که دولت و مجلس بیش از سیصد هزار تومان تصویب نمی کنند و فعلاً خرج سیصد هزار تومان محدود است اگر خرج زیاد تر شد محتاج با اجازه ثانوی هست

رئیس - پس قبول نمی کنید
مخبر - خیر

رئیس رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای عماد السلطنه خراسانی قرائت می شود

بمضمون ذیل قرائت شد
رئیس (خطاب به عماد السلطنه نماینده خراسانی) توضیح بدهید
عماد السلطنه - توضیحات خود را عرض کرده ام

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست

مخبر - بنده نمی پذیرم
رئیس - رأی می بگیریم بقابل توجه این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای زنجانی

(بمضمون سابق قرائت شد)
رئیس آقای زنجانی توضیح بدهید

آقای شیخ ابراهیم زنجانی -

اولاً اینکه می گویند بعهده اهالی اصفهان خواهد بود این نظر بنده صحیح نیست دولت به اهالی اصفهان اعلام می کند که من می خواهم سیصد هزار تومان قرض کنم بدهید که از این جا آب بیرون بیاوریم و بعد هر کس هر قدر بدهد دوحصه آن از بابت مالیات او محسوب خواهد داشت و یکحصه آن را و این بنین اسقاط کنند و جمله بعهده اهالی خواهد بود با لفظ قرض متناقض است پس اول قرض می کند و ممکن است بعضی از مالکین هیچ نداشته باشند یا نخواهند بدهند و بعضی مالکین زیاد خواهند بدهند و با دو مقابل سه مقابل خواهند بدهند دولت می گوید این آب را می خواهم جاری کنم شما پول بدهید ممکن است بطور مختلف بدهند بنا براین این نوشتن بر عهده اهالی خواهد بود صحیح نیست چرا برای اینکه من قرض کرده ام اما بعهده اهالی خواهد بود خیر باید نوشته شود يك حصه آن را داین بن اسقاط خواهد کرد و دو حصه آن را از مالیات آن ها کم خواهند کرد و آن که کم داده کم و آن که زیاد داده است زیاد ؟ دو سیصد هزار تومان از آن را دولت با قسط متساویه حساب می کند و باقی را داین بن اسقاط می کنند و جمله (بعهده اهالی خواهد بود) صحیح نیست چون دین است باید داین بن اسقاط کنند و همه اهالی داین بن نیستند ممکن است ده یا صد نفر باشند از این جهت بود که بنده آن عبارت را پیشنهاد کردم

رئیس - آقای مخبر چه می فرمائید
مخبر - گمان می کنم تمام مقاصد را

آقای زنجانی در نظر گرفته اند در این راپورت منظور شده است منتهی يك اختلافات صورتست که معنای هیچ فرق ندارد از این جهة است که بنده برای تغییر يك عبارتی دیگر نمی خواهم اسباب زحمت شده باشم باین جهة نمی پذیرم
رئیس - آقای تدین جزء کمیسیون هستند؟

قدین - خیر

رئیس - رأی می گیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای زنجانی

که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد آقای محمد هاشم میرزا پیشنهاد جناب عالی را هم بخوانیم

محمد هاشم میرزا - بلی
رئیس - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)
سیصد هزار تومان دولت دریانت می

کند و بیشتر از دویست هزار تومان آنرا زمه دار نخواهد بود که در مدت ۱۵ سال از بابت مالیات آنها محسوب خواهد داشت محمد هاشم میرزا

محمد هاشم میرزا - برای آنکه متفقاً باین پیشنهاد رای داده شود و بعضی آقایان نظریاتی داشتند و اشکال فرمودند که اگر استقراض باشد چه طور می شود صد هزار تومان آنرا نداد و پیشنهاد آقای زنجانی می گوید داینین اسقاط خواهد کرد و بجهت رفع این اشکالات بنده پیشنهادی کردم و لفظ استقراض را برداشتم و نوشتم دولت دریافت خواهد کرد و بیشتر از دویست هزار تومان آنرا زمه دار نخواهد بود که در مدت پانزده سال از باب مالیات شان محسوب دارد

مخبر - بنده عرض می کنم که خود حضرت والا البته تصدیق می فرمایید که پس از آنکه پول دریافت شد باید در تحت یک عنوانی باشد استقراض می کنند امانه می گیرند آخر چه کاری می کنند بنده گمان می کنم بدون هیچ عنوانی نمی توانم این سیصد هزار تومان ذکر کرده باشیم و علاوه عرض می کنم این اختلافات مؤثر و منتهی نیست و تمام مقاصد آقای محمد هاشم میرزا و سایر آقایان در لایحه منظور شده است و بنده لازم نمی دانم تغییر و تبدیل شود باین جهت قبول نمی کنم رئیس - رای می گیریم باصلاح محمد هاشم میرزا آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای وحیدالملک اصلاح چنانچه مالی راجع بوسط ماده است و وحیدالملک بلی وسط ماده است رئیس قرائت می شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در وسط ماده دو بجای «بآنها» به «قرض دهندگان» نوشته شود وحیدالملک

رئیس - آقای وحیدالملک اجازه

وحیدالملک - این قسمت مخالف با آن قسمت است که الان رای دادیم ما استقراض را فقط از اهالی آب خور می کنیم دیگر چه علت دارد از کلبه مالیات اصفهان این مبلغ را کسر کنند باید از همانها که استقراض می کنیم از آنها کسر کنیم این است که بنده در پیشنهاد خود ذکر کرده و توضیح داده ام مستشار السلطنه - در پیشنهاد

آقای مدرس این نظریه تأمین شده است رئیس - در پیشنهاد آقای مدرس این مسئله تأمین نشده است

مخبر - بنده عرض می کنم آیا آقای وحیدالملک تصور کرده اند که دولت که قرض

دارد می رود بدیگری تأدید می کند تصور می کنم دولت چنین کاری را نخواهد کرد یعنی نمی کند دولت بهر کس مدیون است بهمان شخص تأدید می کند فرض می کنیم یکی از داینین ملکش را بدیگری انتقال داد این طلب خودش از دولت باقی خواهد ماند و آن شخص داین طلبش را می گیرد و بالاخره ملاکین که پول می دهند از مالیات آن ها کسر گذاشته میشود بنابر این محتاج باین قید نیست از این جهت بنده نمی پذیرم

وحیدالملک - بنده درست توضیح آقای مخبر را نفهمیدم مالیات بنده در اصفهان زیاد است فرض کنید در طهران از یک عده ملاکین که از رودخانه جاجرود استفاده می کنند یک پولی قرض نماید بعد باید دولت بهمان اشخاصی که از رودخانه جاجرود استفاده میکنند محسوب دارد و در موقع تأدید باید از مالیات همان اشخاص کسر گذارند نه از تمام مالیات دهندگان و کلیه اهالی و من نفهمیدم توضیح حضرت عالی این بود که دولت این پول را از اهالی آب خور زاینده رود میگیرد طبقی است که از مالیات آن ها کسر خواهد گذاشت ولی از ماده این طور مفهوم نیست

مخبر - بنده در دفعه ثانی که آقای وحیدالملک توضیح خواستید زمان کردم بنده نفهمیده ام بعد ملتفت شدم نفهمیده ام و جواب هم دادم بنده عرض کردم هر کس طلب دارد باید طلب خود را بگیرد پول دهنده کی هست همان ملاکین هستند و در موقع تأدید هم بهمان اشخاص دائن میدهند از کی میگیرند مثلاً قرض کنید که یک ده اصفهان باید یک مالیاتی بدهد و یک نفر ملاک آن ده از آب زاینده رود استفاده میکند دولت از او میگیرد و در موقع تأدید بیای همان شخص حساب میکند

رئیس - آقای امین التجار (اجازه)

امین التجار - چون در ابتدای امر برای حصول مقصود مسلم است غیر از اهالی آب خور زاینده رود کسی دیگر پول نخواهد داد در موقع تأدید ممکن است بعضی از آن املاک در ظرف این پانزده سال نقل و انتقال شود آنوقت آن طلب را مالک اولی دارد اگر میخواهد بمالک بعد منتقل میکند و اگر نمیخواهد نمیکند در هر صورت دولت این مبلغ را از بابت مالیات اصفهان در عرض پانزده سال محسوب خواهد داشت چه از بابت مالیات مالکین آب خور باشد چه نباشد

رئیس - آقای تدین پیشنهاد کردند از بابت مالیات قرض دهندگان نوشته شود توضیح میدهند بعد رای میگیریم

تدین - آقای مخبر معتقد هستند هر پیشنهادی میشود و لو این که بشفیع لایحه هم باشد قبول نکنند ولی بنده بایشان تذکر میدهم که یک ماده قانونی نباید سطر اولش با حطر سوم مخالفت داشته باشد در قسمت اول گفته میشود مالیه این پول را از آب خور

زاینده رود میگیرد بعد در سطر دوم نوشته شده است که در ۱۵ سال از بابت مالیات اصفهان محسوب میشود بنمایند فردا این لایحه سند است نه توضیحاتی که در این فضا داده میشود بنابر این بنده معتمد عرض جمله از بابت مالیات اصفهان از بابت مالیات قرض دهندگان نوشته شود حالا آن قرض دهنده هر کس باشد و در هر مقام باشد

رئیس - آقای وحیدالملک باین پیشنهاد موافقت؟

وحیدالملک - بلی یکی است رئیس - پس رای میگیریم به پیشنهاد آقای تدین که نوشته شود (از بابت مالیات قرض دهندگان) آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد دیگری از طرف آقای حائری زاده رعیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم بشکل ذیل نوشته شود

ماده دوم - سیصد هزار تومان وزارت مالیه از اهالی آب خور زاینده رود استقراض نموده و در تحت نظر نماینده قرض دهندگان بمصرف الحاق آب کوه رنگ بزاینده رود میرساند و در ظرف مدت ۱۵ سال باقسط متساویه از بابت مالیات قرض دهندگان محسوب خواهد شد

حائری زاده رئیس - خطاب با آقای حائری زاده توضیح بدهید

حائری زاده - این جمله که آقایان کراراً فرمودند که خود اهالی حاضر شده اند صد هزار تومان امانه بدهند بنده عرض میکنم امانه حد ندارد که ما بیانیم محدود کنیم که اهالی اصفهان مجبوراً صد هزار تومان امانه بدهند و این که بعضی از آقایان میفرمایند خود اهالی قبول کرده اند بنده عرض میکنم چند نفر از ملاکین اصفهانی که در طهران بوده اند قبول کرده اند چه ربطی بسایر اهالی دارد آن ها که نسبت بسایرین قیومیت ندارند اهالی اصفهان که از آب زاینده رود انتفاع میبرند باید امانه بدهند و من مخالف این ترتیب هستم که دولت دویست هزار تومان قرض کنند و صد هزار تومان آن را بدهند خود اهالی یکبار در بنده عقیده دارم که دولت تمام سیصد هزار تومان را قرض کند و بمصرف برساند و هر مبلغی هم که خواستند اهالی امانه بدهند بدهند محتاج به قید نیست

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟

مخبر - هر گاه دولت یک مبلغ معینی پیشنهاد کرد ما نمی توانیم قانوناً زیاد تر از آن تصویب کنیم

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حائری زاده آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد ماده سوم قرائت میشود

(بعضیون ذیل قرائت شد) ۳ - چنانچه از الحاق آب کوه رنگ بزاینده رود خسارتی به محلی وارد شود مطابق معمول به محل و بتصدیق اهل خبره باید جبران بشود

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی (اجازه)

عماد السلطنه - در ماده سوم این طور که نوشته است معلوم نیست جبران این خسارت را کی باید بنمایند و معمول به چه شکل است خوب است آقای وزیر فواید عامه که تشریف دارند نظریات دولت را بفرمایند تا به بینم چه شکل جبران خواهد شد؟

مخبر - مقصود از این است که اولاً اگر یک مبلغی باشد که خیلی زیاد نباشد ممکن است از این سیصد هزار تومان تأدید شود یا این که خود ملاکین یا اشخاصی که ادعای خسارت میکنند یک سازش هائی بنمایند و بین خود قراری بگذارند و گمان میکنم محتاج نباشد در این صورت موضوع مذاکرات زیاد کنیم و تا همین اندازه کافی است

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - یکی از نظریات بنده همان بود که آقای عماد السلطنه خراسانی اظهار نمودند بنده دو نظر دارم اولاً گفته میشود چنانچه از الحاق آب کوه رنگ به زاینده رود خسارتی بمحلی وارد شود مطابق معمول به محل و تصدیق اهل خبره باید جبران شود اولاً معلوم نیست تا چه حد اگر خسارت وارد شده ممکن است جبران نمایند نمی دانم این حد را در نظر گرفته اند یا خیر ثانیاً معلوم نیست کی باید جبران این خسارت را بنمایند خوب است هر کس جبران می کند بنویسند که معلوم شود جبران کننده کی است وقتی ما که اینجا هستیم ندانیم جبران کننده کیست اهالی اصفهان چه طور خواهند دانست خوب است عبارت را روشن تر بنویسند که بعد ها حاجت بتفسیر نباشد

مخبر - می فرمایید اگر خسارت بر اصل مطلب زیادتی بکند چه باید کرد آنوقت اقدام نمی کنند اما اینکه می فرمایند کی باید جبران کند بنده جواب دادم باز هم تکرار می کنم یک اشخاص معینی هستند که ذی نفع و ذی حافه هستند همان اشخاص که ذی نفع هستند ممکن است با اشخاصی که مدعی خسارت میشوند یک سازش هائی بکنند و تراضی قراری بگذارند و گمان نمی کنم بیش از این محتاج باشد که ما در اطراف این مسئله یک مذاکره کنیم

رئیس - آقای سردار جنگ هم مخالفند

سردار جنگ - بنده بطوریکه

در جلسه سابق عرض کردم از آن مکانی که این رودخانه جریان پیدا میکند پنج ایل بختیاری هستند که در آنجا زراعت میکنند اگر چه آقایان اصفهانی با ما قرارداد داده اند و نوشته داده اند که قبلاً با ایلخانی و ایل بختیاری داخل مذاکره بشوند و قراری بدهند که آنها را راضی کنند و مادامی که راضی نشده اند شروع بکار ننمایند ولی چون پیشنهادی که از مجلس میگردد مقدس است استدعا دارم این ترتیب را در اینجا بدهند و قبلاً ایل بختیاری را راضی کنند والا می فرسم بعد از آنکه این لایحه از مجلس گذشت بروند آنجا و یک ایل وحشی که در پای زرد کوه هستند اقدامی نکنند که ناگوار باشد

وزیر فواید عامه - گمان میکنم با توضیحاتی که مکرر در این باب داده شده است دیگر محتاج به توضیح نباشد برای اینکه مادر اینجا شرط کرده ایم که دولت قبلاً ملاحظاتی در این باب بنماید و مأمورینی بفرستد که تحقیقات کنند و به بیند ضرری از این عمل وارد می آید و خسارتهائی باشخاص متوجه میشود یا نه اگر آن ضررها غیر قابل جبران باشد دولت اقدامی نمی کند وقتی چنین قیدی شده باشد گمان میکنم همه این مسائل ختم شود وقتی که ماه بعدی می فرستیم تعیین خسارت می نماید و اطراف کار را می سنجند و ببینند خسارت متوجه است یا نه. اگر قابل جبران باشد دولت قرار می دهد و البته با اهالی و ایل بیگی داخل مذاکراتی خواهد شد و یک ترتیبی قرار خواهند داد و گمان میکنم دیگر محتاج به مذاکره نباشد

رئیس - آقای حاج سید اسدالله (اجازه)

حاج سید اسدالله - بنده هم همان طور که بعضی آقایان فرمودند معتقدم که باید معین شود اگر خسارت وارد آید کی باید جبران کند و این عبارت مجمل است و متحمل است از آن سوء استفاده استفاده بشود و خسارتی وارد آید و مالکین هم برای جبران خسارت حاضر نشوند این است که بنده پیشنهادی کردم که در آخر ماده نوشته شود و اگر تصویب شود رفع این اشکالات خواهد شد

رئیس - آقای مدرس موافق هستند؟

مدرس - با ماده موافقم

رئیس - بفرمائید

مدرس - بنده کاملاً مخالف با وزیر هستم. این سد مال دولت است و باین لحاظ اهالی اصفهان پیشنهاد کرده اند دولت این کار را بکنند چون از قراری که نقل می کنند این سد را سابق بقیش یعنی دولت های سابق مخارج زیادی کرده و اهالی اصفهان تقاضا نموده اند دولت آنرا تکمیل کند و با این فرمایش آقای سردار

چنگ بنده مخالفم چون سابق دولت این جا کار کرده اگر بعد از این کسی بیاید این جا و چهار جریب ملک بخرد یا هزار جریب ملک بگیرد مزاحمت با حق سابق دولت نمی کند

منتهی باید اگر خسارتی باشخاص وارد شود مالکین که می خواهند آب ببرند از عهده بر آیند

لهذا در این ماده هم تصریح شده است که اگر خسارتی بعملی وارد بیاید جبران می شود لیکن مزاحمت با حق دولتی که سابق بر این متجاوز از یک کرور خرج کرده است نمی کنند و هیچکس نمی تواند مزاحمت کند و اینکه فرمودند شاید دهوی و نزاری بشود هیچ جهت ندارد اگر کسی در آنجا ملکی دارد یا سه جریب آب میبرد حکایت نزاری نیست.

دولت باید این آب را جاری کند و اگر ضرر بکسی وارد شد مالکین یعنی آن هائی که پول خرج می کنند و می خواهند منفعت ببرند باید از عهده آن خسارت بر آیند و کسی هیچگونه حق مزاحمت ندارد.

بنده ملکی دارم آب میبرد یا نهی دارم آب آن را خراب می کند آنوقت کسانی که این آب را میبرند باید جبران خسارت کنند فرق است بین جبران و مزاحمت و هیچ کس حق ندارد اسباب زحمت شود این بود مقصود عرض بنده

رئیس - دوقره پیشنهاد رسیده است آقایان مذاکرات کافی میدانند (جمعی گفتند کافی است)

صمصام السلطنه - بنده عرض دارم.

سردار چنگ - بنده هم عرض دارم.

رئیس - پیشنهاد بفرمائید

سردار چنگ - اطاعت می کنم

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای آصف الممالک رسیده است قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت نمودند)
پیشنهاد می کنم در آخر ماده سوم عبارت این طور اصلاح شود مطابق معمول به معلو و تصدیق اهل خبره جبران آن بعهده خود مالکین آب خور زاینده رود خواهد بود

(آصف الممالک)

رئیس - آقای آصف الممالک (اجازه)

آصف الممالک - آقای مدرس بقدر کافی توضیحات دادند فرض بنده هم این بود که نوشته شود با تصدیق اهل خبره مطابق معمول محل جبران خسارت مالکین بعهده مالکین آب خور زاینده رود باشد

رئیس - مخبر چه میفرمائید
مخبر - قبول می کنم
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله قانع شدند

حاج شیخ اسدالله - بلی مقصود بنده هم در آن پیشنهاد منظور شده است
رئیس - آقای وحید المملک نظر جنابعالی هم تأمین شده است
وحید المملک - بلی فقط در قسمت اول تأمین نشده است

رئیس - پیشنهاد آقای وحید المملک قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - این طور نوشته شود چنانچه دو الحاق آب کوه رنگ زاینده رود خسارتی با اهالی آبخور مجرای فعلی رود کوه رنگ با نقاط دیگر وارد شود مطابق معمول بعمل و تصدیق اهل خبره باید اهالی آبخور زاینده رود جبران نمایند

رئیس - توضیح بدهید

وحید المملک - عرض بنده این است که قسمت اول قدری صریح تر بشود باین جهت بنده پیشنهاد کرده ام که چنانچه با اهالی آبخور مجرای فعلی کوه رنگ یا نقاط دیگر خسارتی وارد شود اهالی آبخور زاینده رود جبران نمایند

این پیشنهاد شاید ایراد آقای سردار -

چنگ را مرتفع کند

رئیس - پیشنهاد آقای سردار چنگ قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم که در ماده سوم نوشته شود قبل از شروع بکار مهندس برود اگر خسارت فوق العاده با املاک بختیاری و غیره وارد شود جبران کند

سردار چنگ

رئیس - پیشنهاد آقای وحید المملک دوباره قرائت می شود شاید نظریه آقای سردار چنگ را تأمین کرده باشد

(مجدداً قرائت نمودند)

رئیس - آقای مخبر چه نظریه دارند

مخبر - قبلاً پیشنهادی از طرف آصف الممالک شده بود بنده قبول کردم و حالا هم چندان تفاوتی در آن نمی بینم

جز تغییراتی در الفاظ و عبارات آن مکرر گفته شده است که قبل از شروع بعمل مهندسین با آنجا فرستاده می شود که خسارتی که وارد می آید تعیین کنند و ببینند چقدر است و راجع بکی است و تازمانی که این کارها نشده است اقدام نخواهد شد و باین ترتیب بعد از آنکه پیشنهاد آقای آصف الممالک را هم قبول کردم عقیده ام این است که تمام مقاصدی را که آقای وحید

المملک دارند تأمین شده باشد و بنده نمی پذیرم

رئیس - قبول نمی کنید

مخبر - خیر

رئیس - رأی می گیریم در قابل توجه بودنش

آقایانی که پیشنهاد آقای وحید المملک را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - مشکوک دوباره رأی می گیریم

آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد در ماده دوم و سوم امروز نمی شود رأی گرفت نیم ساعت تنفس است

بعد از پورت کمیسیون عریض مطرح خواهد شد

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

(رایورت کمیسیون عریض را آقای سهام السلطان قرائت نمودند)

خبر از کمیسیون عریض و مرخصی بمجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون عریض و مرخصی در چهارده برج جدی منعقد و پس از انتخاب هیئت رئیس جلسات خود را مرتباً ادامه داده و بوظایف قانونی خود که رسیدگی به عریض وارده است قیام و اقدام کردند و از تاریخ چهارده برج جدی تا دهم ج حوت هزار و دویست طبری عریض رسیدگی و مراجعه بمقامات مربوطه و خلاصه عملیات خود را بر حسب ماده (هفتاد) در اطاق تنفس از نظر آقایان نمایندگان محترم گذرانیده چند فقره مطالب مهمه را کمیسیون لازم نمی داند به عرض مجلس شورای ملی برساند

اولا شکایات وارده از حکام و رؤسای دوایر ایالات و ولایات است که کمیسیون بمقامات مربوطه مراجعه می نماید و از اغظام در جواب کمیسیون فقط بجوابی که مأمورین نظر باینکه شکایات از خود مأمورین است کمیسیون را قانع نکرده عارضین هم شکایت خود را ادامه می دهند

ثانیاً شکایات وارده از اداره پست راجع به امانات پستی است که کمیسیون وزارت پست و تلگراف مراجعه شده است و وزارت جواب می دهند اداره پست مبلغ معتد به از بابات امانات پستی که سرقت شده به صاحبان اموال و تجار مدیون است پرداخت غرامات اموال مسروقه بموسول بر این است که از طرف دولت و مجلس شورای ملی اعتباری بدارد پست بدهند تا غرامات مذکور - و مستدرجاً

پرداخته و بشکایات وارده خاتمه داده شود ثالثاً شکایات وارده از شیراز و خراسان در خصوص گمرک قالی های جوهری که تا بحال بحسب رای کمیسیون که در وزارت مالیه تشکیل شده بود صدی شش دریافت مینمودند و فعلاً اداره گمرک اهالی نموده که از اول حمل صدی بیست و پنج دریافت خواهند داشت و باین جهت تجارت و صادرات قالی بکلی از میان می رود و ضرر عده متوجه دولت و تجار خواهد شد علیهذا تقاضا نموده اند همان گمرک سابق که صدی شش است دریافت دارند را بجا شکایات مفصله از ولایات و ایالات در خصوص مالیات ها و عوارض که در ادوار فترت وضع و تجدید بر آنها شده است اظهار اهالی این است که وضع مالیات از خصائص مجلس شورای ملی است و تا مجلس مالیاتی را تجویز و تصویب ننماید اهالی از پرداخت آن معاف خواهند بود بوزارت مالیه مراجعه می شود جواب میدهند تا مجلس شورای ملی این قبیل عوارض را نسخ و لغو نکنند مالیه ناچار است این قبیل عوارض را مأخوذ نماید این است مسأله که کمیسیون لازم میداند بعرض مجلس مقدس رسانیده نظریات آقایان نمایندگان را جلب و تکلیف این مسائل را موکول بآراء نمایندگان می نماید

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - چند فقره از مطالبی که در ماده اول لایحه کمیسیون عرایض ذکر شده است لازم است بعرض آقایان برسانم که خاطر آقایان از نحوه شکایات و ترتیباتی که نسبت بآن شکایات از طرف ادارات دولتی میشود و وضعیات مأمورینی که هستند مسبوق باشد تا بعد از آن هر چه مقتضی می دانند عمل نمایند يك فقره از این مطالب این است که حاج رستم خان ملایری شکایت می کند از عضد السلطان که بدون حق صدور پنجاه تومان از من جریمه گرفته و صریحاً میگوید که مأمور عضد السلطان آمده است احترام مرا کرد و این جریمه را هم گرفت و در کابینه سابق از طرف رئیس الوزراء تلگرافی بعضد السلطان میشود عضد السلطان جوابی میدهد که از هر حیث خارج از تراکت و رویه يك حاکم نسبت بوزارت خانه است در آنجا می نویسد که حاج رستم خان ملایری حق میگوید و مأمورین بنده رفتند و برای احقاق حق حاج عبدالصمد نام که ادعائی نسبت با او داشته است حق او را دریافت داشته اند و در آخر آن تلگراف می نویسد این اظهارات حاج رستم خان هم هتک آبرو و مقام مرا کرده و اگر دولت نایب زده روز حاج رستم خان را تنبیه و مجازات کرد خیلی خوب اگر نکرد خودم میفرستم او را می آورم و مجازات خواهم کرد اولاً باید دانست که ملایر جزء حکومت بروجرد

و لرستان نبوده است و او مأمور از بروجرد و لرستان بملایر فرستاده است و چون حاج رستم خان مدعی داشته این صدور پنجاه تومان را از او گرفته اند در یکجای دیگر مینویسد که بلی مأمور فرستادم و محض طلب حاج عبدالصمد او را توقیف کردم در حالی که بر حسب ترتیبات اداری او حق نداشته است مأمور بملایر بفرستد و همچنین حق نداشته است در امور حقوقی دخالت کند این قضایا تمام در کابینه سابق روی داده است و از آن زمان تا بحال که چهار ماه میشود حاج رستم خان شکایت خود را تعقیب می کند و بهیچوجه دادخواهی از او نشده است بنده در این مورد لازم میدانم عرض کنم که مثل عضد السلطان شخصی بعد از آنکه مرتکب این قبیل کارها شد باید از او مؤاخذه و سؤال شود و جلو گیری از این قبیل خیالات خود سرانه بشاید و بعلاوه این حاج رستم خان را که شکایت کرده است خوب میشناسند و اگر سابق بر این اموال او را میبردند ایندفعه جانش هم در خطر است لذا کمیسیون خود را مکلف دانست نظیر این قضایا را بعرض مجلس برساند این دوسه قضیه را که عرض میکنم برای این است که خاطر آقایان مسبوق باشد وضع شکایات چیست باز در کابینه سابق از حکومت دماوند شکایت نمودند و از طرف مجلس مکرر بوزارت داخله و وزارت جنگ نوشته شد و شکایات آنها را ابلاغ کرد و از طرف آن دو وزارتخانه يك جوابهائی رسیده است و يك دوسه خیلی مفصل و بزرگی پیدا کرده است تا بالاخره وزارت جنگ می نویسد این حاکم را معزول نمودیم ده بیست روزی که میگذرد اهالی دماوند مجدداً شکایت می کنند که اینکه از طرف مجلس بما ابلاغ گردید حاکم معزول شده است قطع نظر از اینکه معزول نشده است بر تشددش هم افزوده شده است فقط چند روزی بهتران آمده و برگشته است تا چهار پنج روز قبل که در حکومت خود باقی بوده است و معزول نشده است ولی حالاً را نمیدانم مقصود اینست که عده از اهالی دماوند زن و بچه و عیال خود را برداشته و فرار کرده آمده اند بتهران و حکومت هم آنجا با فاساد و انواع شایع بامردم رفتار می کند این دو فقره يك فقره دیگر این است که از نظریه عراق شکایت می کند که پنجاه تومان از شخصی جریمه گرفته است بعد از مراجعه بوزارت داخله وزارت داخله تصدیق می کند که بلی آنچه مسلم است رئیس نظمی و معاون حکومت از حدود خود تجاوز کرده اند ولی اقرار بگرفتن پنجاه تومان نکرده اند ممکن است رجوع کنند بعالمیه و احقاق حق خودشان بشانند در این مورد آن بیچاره در عراق است کجا می تواند بیاید بتهران و در اینجا اقامه حجت کند تا اینکه پنجاه تومان را وصول نماید

از آقایان مویرسم آبادات نباید از این شخص سؤال کند که چرا این کار را کردی بلی اگر وزارت داخله نمی نوشت از حق خودشان تجاوز کرده اند بنده عرض نداشتم ولی چون این تصدیق را می کند بایستی وزارت داخله از جنبه عمومی آن مداخله و او را تعقیب کند تا از این قبیل چیزها دیگر پیش نیاید و تا جلو گیری از این قضایا نشود مأمورین دست از تجاوزات خود برند و خواهند داشت و مردم آسوده نخواهند بود يك فقره دیگر راجع بتحصیل دار زرند است که شش ماه است شکایت میشود و در ظرف این ششماه دو سه مرتبه از مالیه بمجلس نوشته شده است که این شخص معزول شده است و در این دوروزه يك تلفنی رسیده است که این تحصیلدار باتفاق امین مالیه وارد زرند شده و رعایا را در نهایت سختی مجبور می کند که نوشته رضایت نامه از آنها بگیرند و اهالی آمده اند در تلگراف خانه متعصب شده اند و اظهار می کنند که ما را از سر این مأمور رضائی دهید خواستیم در این موقع بعرض آقایان برسانم که اگر باز وزارت مالیه اظهار نمی کرد این تحصیلدار را معزول کرده ایم و از طرف مجلس بآنها ابلاغ نمیشد ماحرفی نداشتیم اما باینکه وزارت مالیه می نویسد این تحصیلدار معزول شده و از طرف مجلس هم با اهالی زرند ابلاغ میشود که این شخص معزول شده چگونه میشود آن شخص هنوز باقی باشد و باین دسایس و حیل نخواهد حقوق مردم را پایمال کند

کفیل وزارت مالیه - در موضوع

میرزا علی اصغر خان تحصیلدار ساوه و زرند بطوری که بمجلس عرض شده بود خود بنده او را معزول کردم و اینکه می فرمایند مجدداً او را در سر کار خود باقی گذاشته اند و خواسته است بزور از رعایا رضایت نامه بگیرد اطلاع ندارم تحقیق می کنم و بعد بعرض آقایان میرسانم

معاون وزارت داخله - در رابورت

کمیسیون عرایض قسمت اول راجع باین بود که شکایاتی که از ولایات میرسد بمأمورین دولت رجوع میشود و آنطوری که آنها جواب میدهند ابلاغ میشود در آن قسمت که مربوط بوزارت داخله است عرض می کنم البته وقتی شکایات از مأمورین دولت برسد باید اول از خود آنها توضیحات خواست بعد از آن که توضیحات رسید اگر قانع کننده نبود اقدامات دیگری میشود و شاید محتاج بمخابره چند تلگراف یا مکاتبه چند کاغذ میشود و البته در بعضی موارد ممکن است شکایت کنندگان بجوابی که داده میشود قانع نشوند یا آنکه مؤاخذه هائی که از مأمورین دولتی می شود جوابهائی بدهند که کانی نباشد آنوقت مسلم است باید از روی يك اصول مسلمی معاکمه شوند ولی تا به حال این طریق نبود و اقداماتی که شده در ضمن عمل و جریان کارهای اداری بوده است

و برای تکمیل امروز رفع این نواقص در قانون وزارت داخله اصول معاکمه اداری هم برای مأمورین مرکز ولایات در نظر گرفته شده است

البته وقتی از روی يك اصول مسلمی معاکمه شوند تکلیف خود را بهتر میدانند و اما شکایاتی که حالا از مأمورین می شود بعضی ها وارد باشد جبران می شود مثل الان قضیه راجع به مأمورین عراق که فرمودند بعد از آن که وزارت داخله تصدیق کرد که يك تجاوزاتی از حدود اداری شده است از آنها مواخذه کرد و مأمورین را منصرف کرد و مبلغی هم که گفته شد بطور جبریم اخذ شد از حقوق یک نفر از مأمورین توقیف شده این اقداماتی است که شده

ولی البته برای اینکه قبل از گذشتن قانون وزارت داخله از تصویب مجلس اگر يك اصولی لازم باشد که اینگونه نواقص رفع بشود

دولت حاضر است باتبادل نظر کمیسیون عرایض يك اصولی اتخاذ کند و بموقع اجرا گذارد

رئیس - آقای سردار مخفم (اجازه نطق)

سردار مخفم - بنده می خواستم عرض کنم مدتی است جمعی از اهالی قزوین شاکی هستند و چندین عریضه تلگرافی و کتبی مستقیماً یا توسط نمایندگان بعرض مجلس شورای ملی رسانیده اند از جمله راجع باین است که باسم رقبات نادری املاک مورثی چندین ساله مردم را اداره مالیه قزوین توقیف می کند و اسباب زحمت می شود و هیچ معلوم نیست چه عنوان دارد و رقبات نادری چیست که بعد از صد و هشتاد سال املاک متصرفی مورثی چندین ساله مردم را بآن بهانه و دست آویز توقیف می کند و همچنین مسئله اضافات باج راه است که بر خلاف قرار داد سابق از رعایا و اهالی شهر و سایر عابرین صدی سی الی پنجاه می کردند و بعضی مطالب دیگر هم هست که بعرض رسیده است

نمی دانم چه شده که کمیسیون عرایض باین تظلمات توجه نمی فرمودند باینکه از مقامات عالیه رسیدگی نمی شود و تاکی مردم باید تظلم کنند

حاجی میرزا مرتضی مخفم -

کمیسیون عرایض و مرخصی -
فرمایشات کفیل وزارت داخله که فرمودند ناچاریم بدو بخود مأمورین مراجعه کنیم بنده تصدیق می کنم ولی چیزی که در کمیسیون تجربه کرده ایم بعد از آن که مکاتبات زیادی بین مجلس و وزارت داخله می شود فقط و فقط جوابی که داده می شود همان جوابی است که از مأمور محل می رسد

يك راپورت مأمور محل بوزارت داخله می فرستد وزارت داخله هم بکمیسیون عرایض می فرستد و چندین فقره هم تابعال دیدم ایم و شاید خود آقای کفیل وارت داخله تصدیق نمایند

همانطور که خود آقای دولت آبادی فرمودند تحقیق شده که حکام و مأمورین وزارت داخله تمذیات فوق العاده باهالی کرده اند و در مقابل هیچ اقدامی نشده است و بالاخره در جواب تمام این نظلمات که بکمیسیون عرایض می شود فقط همان راپورت را که حکام محل می دهد در جواب کمیسیون عرایض می فرستد و این راپورت نه کمیسیون قانع می کند نه عارضین را و در واقع يك معذور بزرگی برای کمیسیون عرایض تولید شده است

حضرت والا فرمودند شکایاتی که از قزوین میرسید کمیسیون رسیدگی نمی کند بنده عرض می کنم کمیسیون عرایض بوظائف خود رفتار می کند و همین طور که فرمودند بمقامات مربوطه رجوع می کند ولی پس از مدتی که طول کشید باز يك جوابی از مأمور محل می رسد که به کمیسیون عرایض می فرستند آن جواب هم نه کمیسیون را قانع می کند نه عارضین را خوب است در این موضوع هیئت وزراء يك تصمیمی بگیرند که در جواب شکایاتی که می رسد جواب های کافی و وافی بدهند که من بعد عارضین تجدید شکایت نکنند و قدری زحمت کمیسیون کمتر شود.

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - راپورت کمیسیون عرایض متضمن چهار فقره مطلب است اول می خواستم مقام ریاست سؤال کنم که اینها از یکدیگر منفک هستند یا باید بطور کلی مذاکره کرد اگر هم منفک هستند بنده عرض خود را در فقره اول بکنم رئیس - البته اگر ترتیبی که نوشته شده است مذاکره کنند بهتر است

وحید الملک - پس بنده عرایض خود را در یکی یکی فقرات می کنم در موضوع شکایاتی که از ولایات می رسد کمیسیون عرایض اظهار می کند که این موضوعات بر طبق فقره اول ماده ۶۹ نظامنامه داخلی بوزارت خانه ها رجوع می شود و آن شکایات از طرف وزارت خانهای مربوط رجوع می شود بمأمورین محل و آنچه خود مأمورین راپورت می دهند وزارت خانه مربوط همان را مدرک و ماخذ قرار داده و برای کمیسیون عرایض می فرستد و اساسا جواب های وزارت خانه ها کمیسیون عرایض را قانع نمی کند بسیار خوب من هم این را تصدیق می کنم و با

نظریه کمیسیون عرایض موافقم در اینکه نباید بجوابهایی که از طرف اشخاص که خودشان طرف شکایت هستند می رسد ترتیب اثر داده شود زیرا این جواب قانع کننده نیست و کمیسیون عرایض را که قانع نمی کند سهل است مجلس شورای ملی را هم قانع نمی کند ولی در این که یکقسمت از این شکایات شکایاتی است بی اصل و بی مدرک در این هم حرفی نیست و محل تردید هم گمان می کنم نباشد یعنی بمبارت آخری این شکایات ناشی از يك مخالفت و اعتراضی است که در محل تولید شده و علی رغم یکدیگر اینگونه شکایات و عرایض را متدرجا می نمایند ولی از آن طرف قسمت اعظم و بیشتر این شکایات شکایات حقوق و مورد است شکایاتی است که در مقابل يك مظالم فاحش یا يك تعدیاتی از مجلس شورای ملی تقاضای دادخواهی می شود آیا باینگونه شکایات و باین گونه نظلمات و دادخواهی ها چه جواب داده می شود بنده بطور کلی عرض می کنم روی هم رفته مردم در ولایات و خارج از مرکز مظلوم و بیچاره اند آری باز تکرار می کنم که مظلوم و طرف ظلم و تعدی هستند که بآنها ظلم می کند مأمورین دولت یا مأمورین دولتی که باین بیچاره ها ظلم و تعدی کرده این بدبخت ها را در نتیجه مظالم خود گرفتار و دچار می سازند حالا اینها چرا مظلوم و طرف ظلمند برای این سؤال فلسفه ها و براهنی گفته می شود بعضی میگویند از اثر نجات ملت است من هم تصدیق دارم حقیقه ملت ایران نجیب است زیرا بانام این شادند و من بامشاهده تمام این مظالم و تعدیات باز تحمل و برد باری کرده تمام این ظلمها را بخود هموار کرده و صدایش بیرون نمی آید اما بنده بنده در اینمواز نجات مصداق ندارد برای اینکه نمیشود تحمل ظلم و تعدی را مستند به نجات نمود و بلکه فلسفه اساسی این است که ملت جاهل است و هنوز بی حقوق حقه خود نبرده است پس در واقع از جهالت و غفلت مردم است که با تحمل انواع شادند باز سکوت اختیار کرده و با يك بردباری تمام این مصائب را بخود تحمیل و هموار می کند و يك مسافرت مختصری در داخله و خارجه مملکت صدق عرایض بنده را کاملا مشهود و مدلل میدارد در داخله مملکت هیچ چیز خرابی دهات جز ویرانی قرا و قصبهات جز تباهی حال مردم و رعایای بیچاره مشاهده نخواهند فرمود در خارج از مملکت جز ایرانی بدبخت متواری شده جز خانواده های بیچاره منزوم شده که برای پیدا کردن کار و معافیت خودشان از ظلم و تعدی مأمورین بکوشد فراری و منزوم شده اند چیز دیگری ملاحظه نخواهد فرمود در این مسئله بنده نمیخواهم مبالغه کنم

ولی شخصا خودم در این سفر مهاجرت برای اولین دیدم که مردم بدبخت دچار و گرفتار چه قسم مظالم و تعدیات طاقت فرسا و غیر قابل تحملی هستند در یکی از دهات پیرمردی از دست مأمورین دولت شکایت میکرد و اظهار میکرد فقط راحتی و آسایش موقتی است که مأمورین عزل و احضار میشوند و دیگری بجای او نصب میشود در این فاصله که بین رفتن او و آمدن مأمور دیگری بجای او پیدا میشود تا قدری راحت و آسوده هستیم و تنها آسایش ما این مدت قلیل است ولی يك کس دیگری هم مظلوم تر و بدبخت تر از ملت است و آن دولت است و بنده بنده دولت براتب بدبخت تر و مظلوم تر از ملت است اگر ملت و دولت هر دو از برای معا که نزد قاضی بروند حکم قاضی بمظلومیت هر دو صادر خواهد شد ولی دولت در ردیف اول و ملت در ردیف ثانی آن حکم خواهد بود هاید این عرایض بنده در نظر آقایان محترم اغراق و مبالغه باشد در حالیکه عین واقع اینست باری عرض کردم مظلومیت ملت ناشی از نجات و جهالت او است ولی مظلومیت دولت بواسطه فقدان یکمده و سایل و خصائل است فقدان خصائل از رجال مملکت (یعنی بنده و امثال بنده) و فقدان سایل از جلو گیری ظلم و تعدیات مأمورین سلب مظلومیت دولت و ملت شده پس بطوریکه عرض شد دولت گرفتار معذور و در دست مأمورین خود مظلوم است دولت و ملت هیچکدام نمیتوانند از تجاوزات و تعدیات مأمورین جلو گیری کنند يك خصائلی باید در بین رجال سیاسی و بزرگ ما وجود داشته باشد و تاحال نظاهر پیدا نکرده است الان مدت ۱۸ سال است که بنده داخل در سیاست این مملکت هستم در تمام این مدت هر روز دیدم کار از بدتر شده و ابد آروز نه بهبودی و اصلاحی نمودار نمایان نیست بلکه هر روز عقب تر میروم و هیچ در این مدت ندیدم فکر و سائلی برای اصلاحات مملکت بشود در مجلس دوم ماه های دراز بلکه متجاوز از یکسال تمام نشستم فکر کردیم شالوده های اساسی برای اصلاحات مملکت ریختیم از قبیل اصلاح مالیه و امنیه زیرا ما آنوقت حقا اصلاحات اساسی را بدو چیز تمرکز دادیم که امنیه و مالیه باشد و برای حصول به مقصود هم زمینه هایی تهیه و حاضر شد و تا درجه ای هم موفقیت حاصل شد یکی از موفقیت های بزرگ و شایان مجلس دوم همین بود که مجلس شناخت مالیه مملکت باید بطور ترتیب امروزه عالم تنظیم و اصلاح شود و هم بطور امنیه مملکت باید بشکل اصول امروزه اداره شود و برای موفقیت باین امر هم اقداماتی بعمل آورد که عاقبت در نتیجه همان اقدامات از بین رفت و در مقابل اولتیمات توم روس متلاشی شد ولی از آن روز تا بحال من ندیدم که يك فکر اساسی برای اصلاحات مملکت

بشود که در نتیجه این مملکت بدبخت از این غرقاب فلاکت امروزی دهائی و نجات یابد روح اصلاحات مملکت در مالیه و امنیه است و باید این دو اصل را بشناسیم و با جد و جهد کافی در انجام این مقصد مهم بکوشیم و این دو اداره را بطوری که لازم و شایسته است تنظیم و تشکیل کنیم زیرا کلبه شکایاتی کمی رسد تقریباً در صد ۹۹ از این شکایات است که از ولایات و حومه طهران به مرکز می رسد راجع است بمأمورین وزارت داخله یا وزارت مالیه اینها هستند که مملکت را بحال فعلی و باین روز انداخته اند حیثیت دولت و ملت هر دو در دست این مأمورین است و با این ترتیب هم حیثیت دولت و ملت محفوظ و تضمین نمی شود این است که بنده بنده باید در این موضوع فکر کلی و اساسی کرد و چنانچه عرض کردم دولت مظلوم است دولت چه کند بخوانید این راپورت هایی که از مأمورین مالیه و ولایات می رسد آن وقت ملاحظه خواهید فرمود این امنای مالیه و این عمال خطا کار مال دولت را براتب بیشتر از مال مردم غارت کرده و به یغما می برند و همین طور مأمورین وزارت داخله آن هم بشرح ایضا اولاً از یکجا بودجه می گیرند آن هم چه مبلغ گزاف و هنگفت چه بودجه های در زمان استبداد و عصر ناصری ابتدا خراب ندیده بودند و در زمان استبداد مردم پول ها می دادند رشوه ها تقدیم می کردند خرجها و مصارف دیگر متحمل می شدند تا اینکه يك مأموریت و حکومتی را تحمیل کنند ولی امروز چه می کنند آن پول ها را نمی دهند هیچ بلکه در مقابل ماهی ده هزار تومان یا بیست هزار یا سی هزار بلکه پنجاه هزار تومان از دولت ماخوذ داشته و بر این خزانه تهتی تحمیل می کنند بسنجید و مقیاس کنید بودجه خودتان را با بودجه مملکت فرانسه مطابقت کنید بودجه یک نفر حاکم را بودجه رئیس جمهوری فرانسه رئیس جمهور فرانسه این قدر بودجه ندارد که یک نفر حاکم شما دارد مأمورین وزارت داخله شما نه تنها حقوق از دولت می گیرند بلکه امنای مالیه محل می سازند و متحد می شوند و در نتیجه يك اغتشاشات و انقلابات خصوصی در محل تولید و ایجاد می کند برای این که تعمیلی بر دولت کرده منابع زیادی باین اسم از دولت دریافت دارند نگاه کنید بوضعیات و عملیات يك

ساله و دوساله يك ايالت و ولايتی و بينيد چه خرجهای فوق العاده بمناوين مختلف برای دولت تراشیده اند . به حساب اينها مخارجی است که در ظاهر يك شکل قانونی با و داده و از دولت دریافت می دارند از آن طرف باملت بدبخت چه معامله میکنند ؟ ناچار آقایانی که از ولايات تشریف آورده اند اطلاعات شان در این موضوع از بنده زیادتر است آن وقت ملت را همان طور که در زمان استبدادی چاییدند حالا هم زیادتر و مشروع تر می چایند تنها فرقی که در درین است این است که چپاول زمان استبداد يك چپاول غیر قانونی بود ولی بفرما امروزه صورت يك چپاول و غارت گری قانونی است حالا چه باید کرد که از این تجاوزات و تعدیات جلو گیری بعمل آورد و ادارات مملکت را بطوریکه شایسته است تنظیم کرد؟ بعقیده بنده هر ساعتی که مداخل این فکر شویم و در این فکر قدم برداریم آن روز روز سعادت مملکت خواهد بود آن اقدام هم نخستین قدم در خدمت واقعی بمملکت و اساس حکومت ملی ایران است در ایران حکومت ملی برای چه ظهور کرده فقط برای این بود که رفع ظلم را از سر مظلوم بکند برای این بود که اساس عدالت و مساوات را در اقطار مملکت جاری و استوار کنند . تمام ما ها این قدر زندگانی کرده ایم که به بینیم چه سبب و علنی اساس استبداد را اساس استبداد چندین ساله و اعصار دوره مظلمه را منقرض کرد و از میان برد؟ آقایان بهتر می دانند اساس استبداد ایران را چه از میان برد و منقرض کرد؟ ظلم آری ظلم . استبداد چهار هزار ساله ایران چه شد که يك مرتبه مانند حبابی بروی آب آمد و ترکید ؟ استبداد را بر ما ماند برای چه این تغییر صورت گرفت

برای اینکه ظلم به مردم می شد پس ظلم اساس استبداد را از میان برد و بنای یوسیده اش را واژگون کرد . ولی آیا این ترتیب فعلی . این اساس حاضر . اساس و ترتیبی است که می تواند رفع تعدی را بکند؟ خیر . برای اینکه هنوز ما برای رفع شر ظالم از سر مظلوم برای خانه دادن به هر منحوس جور و ستم فکری نیندیشیده و گامی برنداشته ایم هنوز مادست و جنگال ظالم را از سر مظلوم بیچاره کوتاه نکرده ایم من که یک نفر و کبل هستم نمیدانم مادر مجلس چه می کنیم و یکدم يك از تکالیف قانونی خود عمل می کنیم مایه مملکت که این طور .. داخله مملکت که این طور .. آخر ملاحظه کنید آقای حائری زاده چه فرمودند پس از آنکه مبالغ گزافی خرج امنیت مملکت و طرق و شوارع آن میشود باز در حدود یزد و کرمان متجاوز از یکصد و هفتاد هزار تومان خسارت بتجار بدبخت

وارد آورده و اموال شانرا بیغما و چپاول میبرند مگر تجار از اهل این مملکت نیستند؟ مگر نباید مال آن ها را حفظ و از تعرض غارتگران مصون داشت مگر تجارت را نباید توسعه و وسعت داد اما نباید مملکت را ترقی داد و وصول امروزه آشنا کرد پس امنیت و عدالت کجا رفته باز تکرار میکنم امنیت و عدالت کو بدبخت ایرانی که عوارض و مالیات میدهد و بانواع و اقسام از او پول میگیرند نباید در نتیجه يك تضمینی برای زندگانی خودش داشته باشد؟ نباید ابدی ظالم از سر او کوتاه گردد . نباید شب در خانه خودش راحت و آسوده بخوابد . جواب سؤال های بنده چه خواهد بود . امروز بدبخت ترین اشخاص عالم جنس آلمانی است که در مملکت آلمان دچار انواع تعدیات و مصائب است . ولی در عین حال همان آلمانی با نهایت صبر و بردباری باین شدائد و سختی تن در داده و برای سعادت مملکت و ملت خود از عهده این تعدیات و تقلبات سنگین برمی آید و این عوارض را میدهد ولی با همه این حال شب در خانه خودش راحت است و امنیت دارد زیرا زندگانی او تضمین شده است .

حکومت ملی ديك مملکتی چه باید بکند . باید افراد را محفوظ نموده و امنیت آن ها را تضمین کنند . باید مملکت را اداره کنند . ما تا بحال هیچک از این وظایف را انجام نداده ایم . طرز مالیه و امنیه و عدلیه چنانچه باید باشد اداره نیست . مردم امنیت ندارند . مردم عدالت ندارند . عدلیه ما هنوز کار نمی کند و مرتب نیست . این بطور کلی عرایضی در این زمینه عرض می کنم که با آقایان محترم گوشزد و خاطر نشان می کنم اول روزی که ما در فکر اساس و اصلاح کار بر آئیم نخستین ادای وظیفه حقیقی خودمان نسبت باین ملت اول فکر و اول قدم برای اصلاحات گذراندن قانون تشکیلات است .

در مجلس دوم قانون هائی گذرانندیم تشکیلات جدیدی بعمل آمد ولی هیچ اثری از آن ها باقی نیست و شالوده آن ها هم باشیده شد مایه مملکت را ملاحظه کنید به چه حال است باز ممکن است در سه ماه دیگر هر يك قانون تشکیلاتی مذاکره کنیم آقای مخبر هم در جای خودشان بما تعرض کنند ما بنوبه خود بایشان تعرض کنیم بالاخره قانون بگذرد وقتی که گذشت آن وقت قابل اجرا نباشد اما در خود موضوع بنده فکر ها کرده ام که قبل از این که يك فکر قطعی برای اداره کردن مایه و حفظ امنیت و طرق و شوارع بشود چه باید بکنیم که در نتیجه کمیسیون عرایض را قانع کنیم و باین شکایات متواتره که همه روزه می رسد ترتیب اثری بدهم و چاره بیندیشیم بنده در اطراف این موضوع خیلی

فکر کردم ولی چون همیشه طرف را ادارات خودمان می بینم از گرفتن يك نتیجه قطعی مایوسیم چه کنیم که شکایات حق مردم مسموع واقع شود چه کنیم؟ باز بعقیده بنده امروز ممکن است از تعدیات مأمورین بوسیله اشتها بوسیله ذکر قرائت نام آن در مجلس علنی بوسیله طبع در مطبوعات جلو گیری کنیم شاید آن وقت ملاحظه کنند شاید فلان آدم از اینکه اسمش در مجلس علنی یاد مطبوعات و جراید برده و خوانده می شود ملاحظه کنند شاید همین وسیله تنبیه او و رفقای او گردد آقایان می فرمایند مجازات مجازات را کی باید بدهیم؟ من و شما که نمی توانیم مجازات بدهیم مجازات را باید دولت باید بدهد دولت باید اعمال سیاست کند امروزه اصل مجازات در مملکت مفقود است و شکایات و عراضی که بکمیسیون عرایض می آید باید بر طبق فقره اول ماده ۶۹ نظامنامه داخلی بوزارت خانه های مربوطه رجوع و اهاله شود بعقیده بنده بهترین طرق برای ترتیب اثر دادن باین شکایات و جلو گیری از تظاهر و این مقدمات و مرتفع ساختن این ترتیبات این است که کمیسیون عرایض من بعد تمام این شکایات وارده بر مردم را فهرست کرده تقدیم مجلس شورای ملی کند و مجلس هم پس از خواندن و ختم صورت جلسه آن ها را قرائت کند و در مطبوعات نوشته شود که بنظر مردم برسد شاید باین وسیله ظالم يك قدری ملاحظه کند و يك اثری ظاهر شود ولی در عین حال آنکار نباید کرد که این اثری است که در پیشه و اساسی ندارد و آن قدر که باید مفید باشد نیست ضمناً از هیئت دولت فعلی که مرکب از اشخاصی بزرگ سیاسی وطن پرست و فعال هستند بخواهم و تقاضا کنم يك فکر اساسی برای حل غوامض امور مملکتی بنمایند تکراراً عرض می کنم برای اصلاح مایه برای تضمین امنیت و بالاخره برای اداره کردن مملکت بر طبق اصول امروزه خوبست هیئت معظم دولت فکر اساسی به فرمایند و نتیجه آن را بمجلس شورای ملی بیاورند بنده بنوبه خود هیئت دولت را اطمینان می دهم که در هیچوقت و هیچ زمان يك عده اشخاص جدی مثل آقایان نمایندگان حاضر نه بوده اند که تکیه گاه دولت واقع شوند و حاضر باشند با کمال میل نظریات اساسی دولت را بموقع اجرا گزارند ما حاضریم استغاثه می کنیم و دعا می کنیم که آن روز و ساعتی شروع بشود که هیئت دولت برای اداره کردن مملکت از ما کمک بخواهد تا ما هم بانهایت مسرت حاضر شده و دوستی آن مساعدت هائی که می توانیم بمنصه ظهور رسانیم و تقدیم آقایان محترم کنیم و در انجام این مهم با آن ها شرکت نمایم .

رئیس الوزرا ع . مطالبی که این جا مذاکره شد تا اندازه شده تصدیق می کنم و البته تا درجه همینطور است ولی بدو بعضی مطالب دال لازم است عرض کنم از بیانات آقای وحیدالملک این طور مستفاد می شد که امنیت نیست بنده این جمله را تکذیب می کنم زیرا بواسطه قشون نیرومند ما امنیت کامل در سر تاسر مملکت برقرار و حکم فرماست و در روز در حال نزاع است در بعضی ولايات مثل یزد که اشاره فرمودند سرفتنائی شده است البته این را باید در نظر داشته باشند که تشکیلات حالیه قشونی مامدت هائی نیست که شروع شده و این مدت کافی نبوده است که قشون در همه جا بسط و وسعت پیدا کند و ممکن است هنوز جاهائی باشد که در آن جا قوا بقدر کافی نباشد ولی دولت کمال جد و جهد را دارد که در همه جاقوای کافی داشته باشد مخصوصاً اخیراً برای یزد هم قوای مکفی فرستاده شده است و یکی مسئله فراسورانی و امنیه و سوار های سابق حکومتی است البته آقایان می دانند این مسئله هم بواسطه اعتباری که از مجلس گرفته شده در حدود همان اعتبار برای حکومت بود چه مین خواهد شد و سوارهای حکومتی از بین خواهد رفت و فقره سورانی راه ها مبدل بقوای نظامی و امنیه خواهد شد ولی البته می دانید که تغییر وضعی بوضع و شکل دیگرانی الحصول وفوری نخواهد بود این تغییرات وقت لازم دارد ولی به تمام حکام تلکراف شده که در سال جدید دیناری از بابت حقوق سوارهای حکومتی بآنها داده نخواهد شد و باید چند روزی از عید گذشته تمام سواران و فراسوران هارا بصاحبان نصاب نظامیه محل تعویل دهند و آن هارا بترتیب جدید در تحت تنظیم در آورند و امیدوارم که باین ترتیب خاطر آقایان و دولت برای حفظ طرق و شوارع کاملاً آسوده و تامین شود اما در باب شکایاتی که از حکام می رسد همانطوری که در این جا گفته شد مراجعه بحکام و توضیح خواستن از آنها لازم است برای اینکه مسلماً که حاکم راهم مقصر بگیریم در این صورت باز باید از او توضیح خواست زیرا ممکن است اصل و ماخذ نداشته باشد و در هر حال سؤال و پرسش از او لازم و ضرور است آنوقت بعد از آنکه از او سؤال شد وزارت داخله مطلب را تحقیق و تفتیش کرده مطلع می شود تقصیر از کیست ولی اساساً غالب شکایات واصله بی اصل و مدرک است زیرا طرف مدرک و ماخذی نشان نمی دهد بدون اینکه حجتی ارائه دهد فقط فریاد میزنند امان از ظلم فلان مأمور چه تعدیات و چه مظالم که بن نکرده و کدام صدمات که

وارد نیارده است و وقتی که می پرسند مدرک تو چیست باز می نویسد امان از ظلم البته آقایان میدانند این نوع شکایات بر اصل را نباید طرف توجه قرار داد بی ربط فریاد می زنند و شکایت می کنند که فلان شخص یا فلان مأمور مبلغ گزاف از ما گرفته با فرضا فلان اقدام جابرانه را بر علیه ما کرده در هر حال وزارت داخله باید رسیدگی و تحقیقات کامل کند ۱ شکایاتی که بنده در این مدت تصدی خودم دیده ام اولاً خیلی کم بوده و غالباً هم ناخذ نداشته است وقتی که این قبیل شکایات می رسد باید بدو از حاکم و طرف قضیه سؤال شود و از او توضیح خواسته شود و بعد از سؤال از او باید رسیدگی شود این ترتیب هم ممکن است بدو شکل صورت انجام بگیرد گاهی شکایت طور است که تردیدی برای وزارت خانه حاصل میشود در این صورت باید مفتش مخصوص بعمل برود و در کتبه مطالب تفتیش رسیدگی بکند و مراتب را اطلاع دهد جز این چاره نیست زیرا نمی شود رسیدگی کار حاکمی را که مافوق مأمورین محل است رجوع به مأمور دیگری کرد اما به عملیات مأمورین دیگر را می شود بعداً کم و رفتن مفتش هم مستلزم يك مخارجی است که باید در بودجه جدید منظور شود و اشخاص صحیح و درست برای تفتیش لازم شود گاهی هم ممکن است تفتیش لازم نباشد و صورت کار طوری باشد که باید حاکم را معزول و منفصل نمود یا دعا که اداری نمود در این خصوص بطوری که چند شب قبل عرض کردم يك لایحه پیشنهاد به مجلس شده و از آقایان خواهش میکنم زودتر این پیشنهاد را بگذرانند و تصویب کنند که در نتیجه يك ترتیب قانونی در وزارت داخله برای این نحو از مسائل باشد که در این قبیل موارد اقدام و عمل شود ولی بطور کلی عرض میکنم شکایاتی که می شود نمی توان گفت نا وارد و بجا است مخصوصاً راجع به مالیات این جا مذاکره شد بعضی مالیات ها و عوارض در زمان فترت وضع و برقرار شده است مکرر عرض کردم دولت نمی تواند حالا آن ها را نقض کند برای اینکه این ها يك مالیات هائی است که برقرار شده حالا صحیح است یا نه حکم شورا مجلس باید بدهد همانا کمیسیون در این باب در وزارت مالیه برقرار شده و مشغول مطالعه است بعد از آنکه نتیجه مطالعات کمیسیون مزبور تقدیم مجلس شد آنوقت هر طور صلاح و مقتضی بداند برای بدهند دولت هم اجرا می کنند ولی مقصود این است کار از روی دقت و با مطالعه شود ما کداد امنیت را میزنیم همیشه در توضیح امنیت صحبت می کنیم باید بدانیم امنیت پول لازم دارد اگر مطالعه مالیاتی را حذف کنیم آنوقت يك هایداتی از میان

میرود نتیجه اش عدم امنیت خواهد بود گرچه بعضی از این مالیات ها ممکن است فی الواقع يك تحمل فوق العاده بر ملت باشد ولی مالیات های دیگری از قبیل مالیات موضوعه در بلدی و غیره هست که اگر بخواهم از نقطه نظر اینکه بتصویب مجلس شورای ملی نرسید آنها را لغو و ملغی کنیم و موقوف بداریم تا اینکه بتصویب مجلس برسد آنوقت در طول این مدت باید چراغ های شهر که فعلاً روشن است خاموش بشود و تمام شهر را کثافت پر کند و دارالساکنین و مریضخانه ها و دارالرحمانین و غیره که فعلاً دائر است همه از بین بروند سایرین بنده گمان نمی کنم آقایان باین امر راضی باشند و چنین اقدامی را شایسته بدانند اما بهتر نیست مطالعاتی در اطراف این مسئله بشود که با مطالعه تمام اقدامات بعمل آید ؟ بالاخره در خاتمه عرض می کنم شکایت در مملکت است عدم رضایت از ترتیبات و رفتار مأمورین دولت چه مأمور مالیه و چه داخله همیشه هست ولی بهترین طرق که بنظر بنده برای برطرف کردن این شکایاتی که می رسد همان اجرای قانون است نمایندگان که می خواهند ایجاب رضایت مندی مردم و رفاه عامه را بعمل آورند باید که ما هو حق در اجرای قانون با دولت همراهی و مساعدت کنند البته نمی گویم همراهی نص کرده اند ولی بعد از این انشاء الله بیشتر خواهند کرد زیرا وقتی قانون اجرا شود فلان حاکم یا مأمور دولت دید تخطی و تجاوز از حدود خودش موجب انفصال و عزل او می شود و بعد از اینکه متفصل شد و عملیات او رسیدگی شد دیگر کاری با او داده نخواهد شد آنوقت دیگر مبادرت بعملیات غیر قانونی و خلاف وظیفه نخواهند نمود و ضمناً باعث عبرت و مأمورین دیگر هم خواهند شد در نتیجه همان ترتیبی که مرضی خاطر آقایان نمایندگان یعنی آسایش مردم و امنیت است بعمل خواهد آمد.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته آقایان اجازه می دهند قبل از اینکه داخل در این موضوع بشود که بعقیده بنده اولین وظیفه هر ذی حسی است چند کلمه قبلاً بگوئیم و برای گفتن این کلمات هر خطری هم که برای من متصور باشد با جان و دل استقبال می کنم زیرا مسئله موضوع حمایت و طرف داری از مظلوم است برای حفظ خودم چندان بیم ندارم زیرا که اصل دوازدهم قانون اساسی را که مصوبیت و کلا است علی الظاهر معتقد اما بالاتر از او از اثر حق کوئی و حقیقت سرائی از خداوند قهار و حضرت باری تعالی حمایت می خواهیم

و کفی بالله و کیلاً غیر از خدا در نزد من هیچ طرف توجه نخواهد بود و چون موضوع طرفداری از مظلوم است وظیفه دارم بگویم زیرا ما در این جاقسم خورده و سوگند یاد کرده ایم حافظ قانون اساسی باشیم تا وقتی که مذهب اسلام را قبول کردیم و ایمان آوردیم باید که بوظیفه اسلامیت خود رفتار و عمل کنیم و این ایمان هیچ وقت از ما سلب نشده و امیدوارم بتوفیق خداوند قهار هیچ گاه سلب نشود اولین اصل اصول اسلامیت حفظ حقوق مظلوم و حمله بر ظالم است اگر آیات قرآن و کلام الله مجید را ملاحظه و دقت فرمائید می بینید این قدر که لعن و نفرین و اظهار تنفر از ظالم شده از هیچ چیز نشده است

بنا بر این خواه قانون اساسی بنویسد خواه ننویسد خواه و کیل باشم خواه نباشم خواه بنده قسم خورده باشم خواه نخورده باشم از خداوند متعال توفیق و مسئلت میخواهم که در راه حمایت مظلوم تا زندام قدم بردارم و گمان میکنم آقایان و کلا هم در این موضوع با بنده همراه موافق باشند زیرا مکرر گفته ام ظالم حمایت لازم ندارد و فقط مسامحی ما باید و صرف حمایت مظلوم و بی گناه بشود

اما متأسفانه اگر يك مطالعه اجمالی در اوضاع مملکت مان کنم.

آقای وحیدالملک ، فرمایش فرمودند که بنده در یکقسمت ایشان موافقم و ایشان يك مظلوم را دولت فرض میکردند و يك مظلوم هم ملت و مردم را بنده يك مظلوم سومی هم نشان می دهم و آن و کلاء هستند که از همه مظلوم ترند (صحیح است) زیرا آن ها بار سنگین زمامداری امور جمهور را به عهده گرفته وزیر با اداره کردن مملکت رفته اند این وظیفه با اندازه سنگین و تا درجه دشوار و مشکل است که حقیقتاً بعقیده بنده تحمل ناپذیر و طاقت فرسا است چه که ساعتی که شخص بخواهد این وظیفه بزرگ را با نراکت یا لایقیدی ملاحظه و تلقی کند خداوند قهار و آن منتقم حقیقی و دادرس دائمی آن ملاحظه را در دفتر جمع و خرجش ثبت کرده و در واقع فراموش نشدنی است اگر مردم از ما که وظیفه دار اصلاح امور و حمایت آن ها هستیم مواخذ کنند هنگام و موقع دیگری فرا خواهد رسید که مطابق عقیده اسلامی ما از ما بازخواست و پرسش خواهد شد آن روز روز حساب و قضاوت است مذهب اسلام با آن نورانیت متأسفانه از زمانیکه نظامی علیه الرحمه فرمود آرایش و پیرایش تا آخر که نستایش بار تا کنون خیلی عقب رفته ایم و هیچ چیز نداریم مذهب اسلام مذهبی است که علی علیه السلام وقتیکه در واقعه ابواء

قیصر ابن ضحاک قهری بالشکرش حمله بر ابناء می کند و يك عده از یهودی های آن جا را غارت می کنند گویا یکدست بنداز دست زن بودیه ببردن می آورند علی علیه السلام اول شخص عالم اسلام با آن همه مقامات عالیه و درجات رفیع بالا می نرسد تشریف می برند و بعد از خطبه مقصی امر به جهاد می دهند در ضمن خواندن خطبه نظرم هست می فرمایند در این واقعه سزاوار است مسلم و مومن طلب مرگ کند این است مقام و درجه اسلام از علی آموز اخلاص عمل این است مذهب اسلام حفظ و حمایت مظلوم و تساوی حقوق و نگاهداری رعایا با اینکه هیچ گفت گوی مذهب و ملت در آن جا نبود مع هذا چون دست بندی از دست زن یهودیه بیرون آورده بودند طالب نیارود و فرمود باید رفع ظلم ظالم را در سر مظلوم کرد خوب حالا خوب است با هم قهری از در مذهبی جلو بیایم وضعیات را مشاهده کنیم در ظرف مدت پنجاه و شش روز يك هزار دوست صریضه از دست مأمورین ما بمجلس رسیده ما که قبول و کالت کرده ایم و بنا بر وظیفه نمایندگان خود باید حافظ حقوق مردم و قوانین باشیم یعنی نباید بگذاریم مظلومین بیچاره دست خوش مظالم ظالمین شده از بین بروند چه کرده ایم و چه اقدام اساسی برای رفع این مظالم و شکایات نموده ایم فقط مطابق مقررات عادی وزارت خانهای مربوطه نوشتند و راپورت داده ایم و منتظریم آن ها تحقیقات کرده نتیجه را با ما اطلاع دهند و يك ثلث از این عرایض شاید توسط خود بنده رسیده ولی چه نتیجه برای متظلمین و متشکبان حاصل شده است عریضه مجددی توسط خود بنده رسیده بود که تقدیم مقام محترم ریاست کردم از سمنان و دامغان اطلاع داده اند که دیگر ماشکایتی به مجلس نخواهم کرد و ضمناً خواهش کردند مرجع دیگری برای تظلمات آن ها نشان بدهیم زیرا بعد از عریضه اولی که سوادش برای وزارت خانه فرستادید وزارت خانه هم برای حکومت فرستاد شبانه حکومت چند نفر مأمور بمنزل من فرستاد مرا شهر احضار کرده چون می دانستم معامله مأمور حکومت با متظلمین از چه قرار است شبانه مأمورین را پذیرائی کردن و فرار از منزل بشهر آمدم صبح وقتیکه مأمورین بر خواستند و اوضاع را این طور مشاهده کرده و بواسطه فرار من حق الزحمه خود را نیافتند دست چپاول دراز و بهلاوه تمام شیشه های منزل ما شکستند تمام ظروف و اثاثیه را خورد کرده و انواع صدمات و تجاوزات باهل خانه بنده وارد آوردند از آن طرف وقتی که داخل شهر شدم حاکم بمن گفت کاری با تو ندارم فقط برو در تلگرافخانه وقتی که تلگرافخانه وارد شدم سایر متشکبان را هم دیدم مثل من در آن جا حاضر کرده و مأمور بالای

سر آنها گذارده اند که یا سبقت مجازات شده و شلاق خواهند خورد یا جدا از حکومت اظهار رضایت مندی کرده و آن چه را که گفتند و نوشته اند قویا تکذیب کند از شما هامي برسم (خطاب به کلا) اگر چنانچه خود شما هم بجای آن انتخاب بدبخت بودید آید اظهار تکذیب تملیل می کردید ؟

بنده هم انصاف م دهم با آن برهان قاطع شلاق اگر خودم هم بودم تکذیب می کردم و می گفتم خلاف کردیم و کمال رضایت را از حاکم داریم باین ترتیب رضایت نامه ازمای گیرند و می فرستند یکی از وکلاء آقای ناظم العلماء و کیل ملایر هستند حاضرند و روبروی ما نشسته اند بعد از همه تظلمات نمی توانند احقاق حق خود را بکنند با وجودیکه خودشان روی سندلی و کالت نشسته اند این سند حاضر و این هم کاغذ هائی است که نوشته شده است تلگراف دیگر اینست از تمدی نایب الحکومه که از طرف شاهزاده سالار لشکر فرستادند و يك مفتش باهم با آنجا رفته است و تصدیق کرده که آقای رفعت الدوله وکیل مجلس باشد مفتش از وکیل بالاتر کی است ؟ عین تلگراف آقای رفعت الدوله است که برای مزید استحضار خاطر آقایان قرائت می کنم خدمت حضرت اقدس و الاحکومت جایله همدان دامت شوکته که بعد از تقدیم مراتب ارادت و مراسم خلوص عقیدت از راه دولت خواهی یاره مطالب را لازم است بمرض عالی برسانند خوب است حضرت اقدس والا قدری نایب الحکومه را نسبت بیاره اقدامات نصیحت نمایند با تجاوزاتی در حق رعایای حسن شده بود توسط کردم و عیالنا قبول کردند شئون حضرت اقدس والا بمراتب زیادت از آن است که یاره مذاکرات خارج از نزاکت پیش آید (امضاء رفعت الدوله)

با کمال برده یوشی باز مطلب داشتم تلگراف معلوم میشود باز کاغذی میرسد توسط بنده خوب است امضایش را بخواهم جهت این که فردا حاکم می فرستند می آورد کتکش می زند و می گوید در مجلس علنی تلگراف تو را خوانده اند می نویسند مامورین حکومتی برای تعداد نفوس که بد مات رفته اند از هر دهی دهالی بیست الی پنجاه تومان گرفته اند چرا این پول ها را از مردم بدبخت گرفته اند این هم جزء حساب مالیات می آید ؟ بچه جهت باید این تمدی با مالی بشود ؟ امالی این مملکت یکجا نظام کند ؟ یکی بگویند ؟ اگر تظلم کند که حاکم می فرستد حبش می کند کتکش می زند و می گوید برو تلگراف رضایت مغایره کن آقای وحید الملک فرمودند امنیت نیست بنده هم می گویم

امنیت نیست نه بآن معنی که آقای رئیس الوزراء فرمودند هر ساعتی که قانون نقض بشود آن ساعت امنیت نیست زیرا حقوق عامه حفظ نمی شود (صحیح است)

آن ساعتی که حاکم در اقصی نقطه مملکت بایبچاره عارض این طور رفتار کند آن ساعت امنیت نیست و هر کس تکذیب کند بنده او را تکذیب نمی کنم امنیت نیست زیرا اجرای قانون نیست و مظلومین نمی توانند اظهار کنند که به ما ظلم شده اگر هم يك نفر اظهار کرد مجددا تادیب میشود پس امنیت نیست چنانکه از مجرای عدلیه احقاق حق نشود و از مجرای حکومت بشود امنیت نیست هر جا میخواهد باشد هر کس میخواهد باشد وقتی می توان امنیت را تصدیق کرد که مطابق قوانین مقرر حفظ حقوق مردم بشود آن ساعت که بنده توی گوش دیگری بزنم آن ساعت امنیت نیست بجهت اینکه بنده حق ندارم توی گوش دیگری سیلی بزنم و لوا اینکه فداره به کمر بسته باشم امنیت وقتی است که از مجرای قانون حکم اجرا بشود و شخصی که حکم میدهد باید صلاحیت حکم دادن داشته باشد همه کس صلاحیت حکم دادن ندارد صلاحیت شرط است پس به این معنی باز میگویم امنیت نیست بآن معنی که آقای رئیس الوزراء را فرمودند و تکذیب کردند و قتیکه حفظ حقوق مظلومین نمی شود امنیت نیست البته این قدر امنیت هست که بحمد الله در خانه همان مبریم به مجلس و بر میگردیم و قدری بیشتر از این هم هست که مردم در راهها یکدیگر را نمی زنند بآن معنی که آقای رئیس الوزراء فرمودند امنیت هست ولی آنطور که بنده عرض میکنم نیست زیرا وقتی احقاق حقون و حفظ حقوق مظلومین نشود تمام این تشکیلات و قوانین اداری بی مصرف است مالیات و حقوقیکه دولت میگیرد برای حفظ امنیت احقاق حق مظلومین است و قتیکه احقاق نشود تمام آن پولهای موقع خرج شده و تشکیلات بی نتیجه خواهد بود وقتی احقاق مظلوم نشود و شخصی را که دستش به مجلس میرسد و هر بقیه می دهد باز بیاورند کتک بزنند و از او عریضه رضایت بخواهند امنیت نیست امنیت نیست بنده امنیت را اینطور ترجمه میکنم و البته بآن معنی که آقای رئیس الوزراء میفرمایند امنیت هست ولی آن ساعتی که يك ماده قانون لغو شود بنده آنوقت را مصدق امنیت واقعی فرض نمی کنم برای اینکه اختلاف نظر حاصل نشود می توانم این قسم امنیت را امنیت صوری اسم بگذاریم و اینکه امروز ما داریم امنیت صوریست و در زمان استبداد و جنگیز خان هم داشتیم ولی آن امنیتی که بنده می گویم نیست

و شاید آقای وحید الملک هم همان نظر را داشتند آن امنیت مملکت مشروطه است که حفظ قانون و آزادی واقعی است الان عرض کردم هزارو دوست عریضه شکایت رسیده و اگر مردم قدری آزادی داشته باشند و بدانند که شلاق نخواهند خورد و حفظ حقوق آنها می شود آنوقت می بینید چه قدر تظلم می شود

امروز که نتیجه تظلم از حاکم این می شود که او را از تبریز بخراسان و از خراسان بآذربایجان و از آذربایجان بجای دیگر می فرستند مردم این اندازه شکایت می کنند

امروز که شاهزاده عضد السلطان حاکم مثل يك یاغی متمرّد بدولت می نویسد اگر شما این شخص را مجازات نکنید من او را می فرستم می آورم امنیت نیست در مملکت مشروطه (من) کیست (من) قانون است صحیح است یگانه آمر قانون است نه حضرت اقدس والا که شاهزاده عضد السلطان که یکی از ظالمان است و بگوید من می فرستم او را می آورم باید با مشقت قانون سر آن من زد و سر او را خورد کرد بنده (من) رانمی شناسم در مملکت مشروطه و مملکتی که مبتدین بدین اسلام هستند (من) کی است از این جاهلان طوریکه رئیس محترم مسلمان های علی علیه السلام فرمودند جا دارد که انسان آرزوی مرگ بکند بنده هم عرض می کنم برای حفظ

قانون و حقوق مظلوم حیرف خود را می گویم ولو اینکه مرا قطعه قطعه کنند امنیت وقتی است که قانون حفظ شود و در مملکت مشروطه لغت (من) نباید گفته شود هر کس بگوید باید مشقت قانون دهان او را خورد کرد عضد السلطان بچه حق می گوید من می فرستم او را می آورم و تعجب در این است که هنوز حاکم است و آیا بچه حق می فرستد يك نفر رعیت مظلوم را می آورند

حضرت امیر المومنین علی علیه السلام وقتی باو گفتند دست بند از دست يك نفر یهود را در آوردند فرمودند حق دارد شخص آرزوی مرگ کند بنده بدون این که خواسته باشم مقایسه کنم عرض می کنم وکیل حق دارد سخته کند وقتی بشنود برخلاف قانون رفتار می شود

ما برای اینکه حفظ قانون در این جا نشسته ایم نه از برای اینکه بشنویم يك شاهزاده بگوید من می فرستم او را می آورم در مملکت مشروطه شاهزاده و رعیت فرق ندارد قانون و مذهب هم بالسویه میکنند و در مذهب اسلام هیچ فرقی بین مردم نیست و هر کس باشد باید مجازات شود و حدود جاری کنند آمواد صدقنا اصول اسلامی ایا نیست و استثنا ندارد حکم

خدا بالسویه قانون بالسویه هیچ وقت در صدر اسلام دیده نشده کسی که خدمات بزرگ هم کرده باشد بگوید چون من این فتوحات را کرده ام از قانون مستثنی هستم هر کس دیده نشان بدهد مطابق قانون اساسی که بر طبق اسلام و اصول مذهب اسلامی است (من) وجود نخواهد داشت سخت ترین تهمید و جسارت این است که کسی در مملکت مشروطه و قانون بگوید من می فرستم باین معنی که بقانون اطاعت نمی کنم

چنین شخصی را باید نیست و نابود کرد یا باید نیست و نابود شد تا دیگر (من) که در مملکت مشروطه پیدا بشود (صحیح است) در این مملکت بکدام حق و قانون مأمورین حکومت مثلا بیست تومان از رعایا بزور می گیرند بنابر این امنیت نیست

شیخ اسد الله نماینده اصفهان امنیت هست ظلم هست

سلیمان میرزا — بلی ظلم است امنیت هم هست ولی احقاق حقوق نیست و بدبخت مظلومین در فشار هستند آقای وحید الملک فرمودند استبداد از میان رفته و مثل يك حیای تر کیده بنده با نهایت احترام و ادب عرض می کنم اشتباه فرموده اید استبداد مثل حباب نقر کیده بلکه استبداد مثل يك درخت پوسیده بود که آزادی خودمان يك ته زدن و او را انداخته اما شاخه های ترو تازه بالای آن را معدوم نکرده اند و چون زمین مستعد نمود مقابل ترتیب بود از این شجره خبیثه در هر جا شاخه قلم زده شد و حالا عوض يك درخت استبداد يك جنگل استبداد داریم زیرا مردم جاهل بودند و موقعی نبود که دولت مردم عالم باشند و زمین هم قابل ترتیب بود این شجره های خبیثه در آن جان شود نماکرد و امروز جنگل های استبداد داریم هر مامور جز دولت در هر دهکده از جنگیز خان مستبد تر است (صحیح است) هر حاکمی هر جارت با مرکز کاری ندارد و اول مسبد است و ناصر الدین شاه بگرد او نخواهد رسید و جنگیز خان هرگز کوچک ابدال او نخواهد شد خدمت آقای وحید — الملک عرض می کنم آن هیکل عمومی استبداد که اسمش ناصر الدین شاه بود مثل يك حباب نقر کید

ولی بدبختانه استبداد او معدوم نشد و آن شجره خبیثه همه جا منبسط نشده همه مملکت را گرفت می فرمایند استبداد از بین رفت هیئات در زمان استبداد تنها حقوقی که يك شخص می دادند هزار تومان بود ولی حالا در کتاب چه حقوقی اشخاص که تازه بما داده اند تصویب نامه هائی که در زمان فقرت صادر شده ملاحظه بفرمایید هیچ ناصر الدین شاه آنقدر حقوق ندارد هیچ ناصر الدین شاه ضربه به مالیه

مملکت وارد نیلورد هیچ ناصرالدین شاه این اندازه بیت المال مسلمین را غارت نکرده آقایی که در میث و وزیر نشسته اند از تنیطع تصویب نامه صادر کرده اند و لا - لا ینقطع نوشته مایه یا نصه تومان در حق مهر و سیصد تومان در حق زید بدهند که در کتاب چه چاپ شده است و بدست همه ما داده اند وقتی در آن کتابچه نگاه کنید اگر افراق تصور نشود خواهید دید که ناصر الدین شاه در تمام مدت سلطنتش این قدر موجب مردم نداده که مادر ظرف شش سال ایام فترت تصویرنامه کرده ایم و مال ملت را بخشیده ایم از طرفی ضرب چاق از ملت می گرفته و از طرفی می گفتند فلان قدر برفیق برادر می یا کسی که دیر روز مرا مهمان کرده بدهید بیکی که مرادعا کرده یا مستجاب الدعوه است بدهید یا فلانی که شاهزاده یا خان است بدهید می بدهید می بدهید هیچ معلوم نبود مال کی است و بچه حق این تصویب نامه ها را صادر می کردند در زمان استبداد اقلایک وزیر بقایای داشتیم که وقتی حکام یک نقطه می رفتند بقایای مالیاتی را از آنها می گرفتند بدبختانه در مملکت مشروطه اینطور وزیر بقایا را نمی داریم بدبختانه مشروطه شمیم نه مستبد بنده که اسم این طور حکومت را هنوز پیدا نکردم همین حال است که ملاحظه می فرمائید مایه مملکت کجا است حساب مایه را کی رسیدگی می کند؟ هیچ معلوم نیست بنده در این جا مکرر فریاد زده ام چرا کسانی که باندازه بلزیک اراضی دارند مالیات نمی دهند فلان آقا صاف در کوچه و خیابان راه می رود و بیست کرور مال دولت نزد او است و نمی دهد چرا؟ برای اینکه مملکت مشروطه است اگر ناصرالدین شاه بود اقلایک از ممتد الدوله فرهاد میرزا همیش بیست هزار تومان را می گرفت حالا هر مامور و هر کس داخل کار میشود اول مستبد است و باندازه ناصرالدین شاه بلکه به مردم ظلم می کنند پس از این مردم کجا بروند و یکی شکایت کنند بعد از اینکه بگمبه آمل خود و بمجلس شورای ملی شیدا الله ارکانه هم متظلم میشوند هیچ نتیجه ندارد و باید مجدداً بنده می نویسند و بنده هم با آقای رئیس بدهم در این صورت آیا استبداد از بین رفته خیر نه بلکه آن استبداد و آن شجره خبیثه تجربه شده و چنگل ها ترتیب شده بنده که نمی دانم اسم این مملکت را چه باید گذاشت بسیار خوب می فرمایند مالیاتی است عمروی وضع کرده و زیدی معمول داشته و در جواب کمیسیون عرایض هم می نویسند تا مجلس در این باب تصمیمی نگرفته نباشد کاری کرد بنده تعجب می کنم شنیده ام سابقاً در همدان عین القضاة گشته اند و از یک قسمت کیسه را همدان صالی پنجاه تومان پول خون اورامی گیرند ما هم در دوره مشروطیت همان مسئله داریم تعجب می کنم فلان آقا آمده فلان

مالیات را وضع کرده ما هم همیشه بدهیم خیر صاف و ساده عرض می کنم برای مملکت ترتیبی لازم است که دوره فترت پیدا نکند و اگر مجلس شورای ملی همیشه باقی بماند باید معلوم مردم بدانند که در غیاب مجلس یک دینار نباید بدهند و تا مالیات و جمع و خرج مملکت بتصویب مجلس نرسیده نباید یک دینار قبول کنند و باید تمام مردم بدانند مالیاتها هر ساله وضع می شود و بودجه برای یکسال است قانون اساسی اینطور می گوید بنده از خودم اختراع فکر کرده ام هر سال که مجلس بودجه رأی نداد مردم نباید مالیات بدهند هم جمعی را نباید بدهند و هم خرج را نباید دولت بکند مجلس باید بودجه هائی را که رأی نداده قبول بکند و مؤاخذه کند اگر مالیاتی است که مجلس رأی نداده نباید اهالی بیردازند ۹ ماه است مجلس داریم خوب بود اقلایک در ظرف این مدت صورت مالیاتها را می آورند در مجلس یا رد می کردیم یا قبول با وجود اهمیتی که بنده شورای عالی معارف میبهم ای کاش که قانون شورای معارف را کنار می گذاشتیم و مالیاتها را اصلاح میکردیم و بچه جهت در این مملکت مردم این مالیاتها را بدهند؟ بنده که به حفظ قانون اساسی قسم یاد کرده ام با این ترتیب چطور حافظ قسم خود و زمه دار یک قسمت از کارهای مملکت خواهم بود؟ چطور حافظ حقون مردم خواهم بود؟ مگر این اصل قانون اساسی نیست اصل هیچ بدهم تصفیه امور مالی جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنین معیزی های جدید که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهد بود مگر این قانون اساسی نیست؟ اصل نود و چهارم - هیچ قسم مالیات برقرار نمی شود مگر بمطابق قانون در مقابل قسمی که خود ام چه جواب بدهم بوزارت مایه مراجعه می شود جواب می دهند تا مجلس این قبیل عوارض را نسخ نکند وزارت مایه ناچار است این قبیل عوارض را مأخوذ نماید بچه جهت ناچار است؟ چطور مجلس شورای ملی اینرا نسخ بکند؟ نسخ در مقابل این است که اول قبول کرده باشد بعد نسخ بکند چه چیز را نسخ کنیم چیزی را که من خبر ندارم و مطابق عقیده خود رأی نداده ام و بگفته ام مردم بدهند چیزی را که قبول نکرده ام چطور نسخ بکنیم! این چه تکلیفی است بر عکس عوض این جواب باید نوشته باشند مالیاتها پیشنهاد شد و تقاضای قوریت میکنم که بقوریت رد یا قبول نماید.

مشار السلطنه - پیشنهاد شده
سلیمان میرزا - بلی پیشنهاد شده
ولی بعد از نامه و هنوز نمی دانم کجا است و کی

تصویب خواهد شد! همین قدر دل خوش هستم که پیشنهاد شده امور هم تو سر رعیت می زند و بول می گیرد شاید ما آخر دوره تقنینیه این دفعه هم این پیشنهاد بمجلس نباید در این صورت بچه جهت مردم باید بدهند

اصل نود و چهارم قانون اساسی می گوید هیچ قسم مالیات برقرار نمی شود مگر بمطابق قانون اصل نود و پنجم می گوید مواردی را که از دادن مالیات معاف توانستند قانون معین و مشخص خواهد نمود بچه جهت باید فلان الدوله و فلان السلطنه مالیات خود را ندهند توی کوچه راه بروند؟ برای اینکه املاکش زیاد است و بنده باندازه وظیفه خود میگویم غلط است و خواهم گفت کسیکه یک دینار از مایه مملکت پیش او باشد ظالم است و بر علیه او هستیم و او هم هر چه بر علیه من دارد بگوید زیرا وظایف خود را انجام دهم و از یگانه قادر مطلق کمک می خواهم اصل نود و ششم میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با کثرت تصویب و معین خواهد نمود این مسئله است که همیشه بنده یاد آوری میکنم میزان مالیات میزان خرج نیست این مالیاتها را ولو مالیات ارضی و دانی باشد باید همه ساله مجلس اجازه بدهد که این مالیاتها را دولت بگیرد تا مجلس اجازه اخذ او را ندهد تا بودجه قبل از شروع سال تصویب نشود نباید مردم بدهند و بنده هنوز مالیات عین القضاة تصدیق نکرده ام و هیچوقت تصدیق نخواهم کرد که بدهد مردم بی جهت یک مالیات عجیب و غریب بدهند

اصل نود و هفتم - در موارد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد من مدعی اشخاصی که املاک زیاد دارند و حسابشانرا نمی پردازند هستم نه مدعی شخصی مطابق قسمی که خورده ام باید این اصول قانون اساسی را حفظ کنم هر کس هست هر جاست باید مالیاتش را بدهد معافیت هم غلط است من قسم خورده ام حافظ این اصل باشیم اصل نود و هشتم میگوید تخفیف و معافیت از مالیات منوط به قانون مخصوصی است و خوب است مردم این موارد را حفظ داشته باشند بنابراین اصل نود و ششم را باز می خواهم میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با کثرت تصویب و معین خواهد نمود باید مردم بدانند که تا مجلس در بودجه یک مالیاتی را رأی نداده هیچکس نباید بدهد و هیچکس هم نمی تواند بگیرد اصل نود و نهم غیر از موافقی که قانون صراحتاً مستثنی میدارد هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی شود مگر هم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی دیگر از این صریح تر میشود نوشت ممکن است به نظر بنده صریح باشد ولی در نظر دیگران این هم از قوام امور مالیاتی باشد بنا بر این چون این مواد نقض شده است بنده می گویم امنیت بمعنای واقعی نیست

وقتی این قانون حفظ نمی شود مشروطه یعنی چه؟ شیری دم سرد شکم که دید وقتی که هیچکدام از این مواد قانون اساسی حفظ نمی شود بنده نمی دانم اسم این مملکت مشروطه است یا استبداد یا یک چیز دیگر است؟

باری پس از همه این دادوبی داد که که می دانم فایده ندارد و خودم را خسته کردم و احقاق حق مظلومین آن طور که دلم می خواهد نمی شود تاکنون یک اعلانی در روزنامه از طرف دولت ندیده ام که نوشته باشد چون فلان الملك و فلان الدوله امین مایه یا حاکم مال مردم را برده بود یا تمندی و دزدی کرده بود محکوم شد و به فلان مجازات رسید و ابتدا مصدر شغلی نخواهد شد و بعد ها از حق انتخاب محروم است بنده یک روز در این جا عرض کردم در مملکت ما همه برای الله هستیم اگر آقاییان یک نفر مقصر سراغ دارند بگویند و هیچ بنده نشد که در موقع انتخاب یک شخص بگویند چون تو محکوم یک جنحه یا جنایتی شده حق انتخاب کردن نداری و بتو تهره نمی دهم الحمد لله مملکتی داریم چون بهشت برین یک نفر مقصر و محکوم پیدا نمی شود همه اشخاصی مکرم و عالی مقام و فقط خبالی که دارند این است که یک حقوقی از بیت المال مسلمین به گیرند و همه فکر من این است که دستمان بوزارتی یا یک حکومتی بند نشود و یا نتیجه مایه دوست سیصد هشتصد تومان حقوق از برای خود درست کنیم و تأمین آتیه را بکنیم و راحت برویم گوشه خانه به نشینیم و دعا گو باشیم چه قدر مشروطه چیز خوبی است مایه سیصد تومان برای من موجب معین کرده است بدون هیچ کاری در خانه ام نشسته ام و می خورم و رعیت بیچاره باید هر یک قرانش را بوسیله شکنجه بدهد این است نتیجه دوره شش ساله گذشته و بدبختانه باید با نهایت تعجب و تأثر گفت این است نتیجه آرزوهائی که ما برای این مملکت داشتیم تا آن آرزوهائی که بر سر آنها ملک المتکلمین ها و میرزا جانگیر خان ها و آقای سید هزازه ها و آقا سید محمد آقا و حاجی میرزا ابراهیم آقا وکیل آذربایجان و سایر شهدای راه آزادی کوشیدند و کشته شدند و این است نتیجه زحماتی که سایرین کشیدند که حاضرند یا غایب و نتیجه آن فداکاریها و رحمت ها این است که امروز می بینم اگر مقصود ما این بود نمودن الله باز با کمال ارادت به آقای وحید الملك عرض می کنم که یک جمله دیگرشان نیز مورد اشکال بود و آن جمله این بود که می فرمودند در دوره ما بعد از مطالعات لازمه یک شالوده برای امنیت و مایه که امروزه داریم ریخته بنده که آن دوره چنین آرزوهائی نداشتم و گمان نمی کنم آقای وحید الملك هم مقصودشان این بود و خود ایشان هم چنین آرزویی

نداشتند و بنده گمان می کنم سوء تفاهم برای بنده واقع شده و ابداً آقای وحید-الملک هم نمی خواستند چنین فرمایشی بفرمایند که آرزوهای مجلس دوم در اجرای قوانین با ترتیب مالیه مثل ترتیب امروزه باشد نمودن با لایحه ترتیب امروزی و هیچ چیز شباهت ندارد و نزدیک است بنده با همه ادعای آزادی خواهی با همه صحبت ها زمان ناصرالدین شاه را آرزو کنم شاید تصور کنند اغراق می گویم ولی اغراق نیست بی پرده حقیقت واقع را می گویم و تصور می کنم فریاد و ناله مظلومین این مملکت را ترجمه می کنم که در زیر دست ظالمین فریاد می زنند همان دعا کنند کافی هستم که در این جا نشسته ایم چه از وزیر چه از وکیل همه می گوئیم محافظ حقوق شمارا می کنیم ما این مسئولیت را بگردن گرفته ایم و باید رفع ظلم از مردم بکنیم اینک بنده فریاد می زنم برای آن ها است و می گویم اگر صدای شما نمی رسد بنده تمام شرافت را غنیمت می دانم و عرض می کنم ما را بشوید به هیچ یک از این مظالم که بشمار آورده میشود نیست ولی چه کار کنم آقای وحیدالملک فرمودند مردم مظلوم هستند دولت و وزرا هم مظلومند بنده یکی و یک نفر هم ضمیمه می کنم و عرض می کنم و کلام مظلومند پس این مردم بدبخت چه بکنند؟

مردم خودشان باید در فکر اصلاح کار خود باشند و حفظ حقوق خود را از وکلای خود بخواهند بنده گمان می کنم تا اندازه وظیفه خود را انجام داده ام ولی البته هزار یک خدماتی که باین مردم رسیده شرح ندادم ما باید حفظ حقوق کسانی را که زنده دار شده ایم بنمائیم و بایستی بدانیم سنگینی این مسئولیت چه قدر است و از جان و دل باید سعی کنیم حفظ حقوق مظلومین بشود.

رئیس چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند و مطلب هم مهم است اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتی روز پنجشنبه سه ساعت بنوب مانده خواهد بود.

(مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه هشتادم

صورت مشروح مجلس دوم پنجشنبه بیست و پنجم برج حوت ۱۳۰۰ مطابق شانزدهم شهر رجب ۱۳۴۰
مجلس دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای موتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس دوم سه شنبه ۲۳ حوت را آقای ملک آرائی قرائت نمودند
رئیس — نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا خیر
آقای حاج امین التجار

(اجازه)

حاج امین التجار — راجع بلایحه الحاق آب کارون در آن قسمتی که پیشنهاد کرده بودند که بقرض دهند گمان مسترد دارند بنده مخالف بودم و عرایضی عرض کرده بودم در صورت مجلس هیچ نوشته نشده است.

رئیس — مکرر عرض کرده ام که تمام موافق ها و مخالف ها را در صورت خلاصه نمی شود نوشت و در صورت مشروح نوشته خواهد شد. دیگر غیر از این ایرادی نیست.

(گفته شد خیر)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد راپرت کمیسیون عرایض میباید تا هیئت دولت تشریف بیاورند

آقا سید یعقوب — بنده عرضی دارم.

رئیس — در چه موضوع
آقا سید یعقوب — کمیسیون عرایض تصمیمی اتخاذ کرده اند که تجدید نظری در این راپرت بکنند لذا بنده فرمودند که تقاضا کنم امروز این لایحه از دستور خارج شود تا مجدداً در کمیسیون محل شور شده شاید راه حلی در آن پیدا شود

رئیس — این تقاضا راجع به غیر است

حاج میرزا مرتضی — مخبر کمیسیون عرایض — بنده هستم تقاضا میکنم که این راپرت امروز از دستور خارج شود.

رئیس — هنوز هیئت دولت حاضر نشده اند هر وقت حاضر شدند آنوقت تقاضا کنید مراسله از طرف وزارت جلیله رسیده است که باید بعرض آقایان برسد
آقای سهام السلطان مراسله دولت را راجع بتوقیف انتخابات آباد به ضمیمه ذیل قرائت نمودند

(ریاست محترم مجلس)

مقدس شورای ملی)

در جواب مرقومه رفیه ۵۴۷۱ تصدیق می دهد بطوری که در طی مرقومه رفیه ۵۴۶۲ اشعار فرموده بودید بایالت فارس تلگراف شد که امر انتخابات آباد را موقتاً تعطیل نموده تا پس از اطمینان ثانیاً شروع بکار انتخابات آنجا خاتمه دهند.

رئیس — آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه — گویا بر حسب قوانین موضوعه تعطیل انتخابات مخالف قوانین باشد و ممکن است نوشته جات متشکبان را انجمن مرکزی یا مجلس رسیدگی کنند و مانع از جریان انتخابات هم نشوند.

رئیس — آقای مدرس

(اجازه)

مدرس — چون در کمیسیون هم این مسئله مطرح شده و بالاتفاق توقیف انتخابات را خلاف قانون می دانستند و بنظر بنده هم خیلی ضرر دارد اگر در مجلس این مسئله تصدیق شود گمان می کنم که دیگر موقتیت با انتخابات خیلی مشکل باشد چنانچه در جلسه گذشته هم عرض کردم که بنده با توقیف انتخابات جداً مخالفم و بهیچوجه صلاح نمی دانم

رئیس — آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی — مسئله توقیف انتخابات در این دوره سابقه دارد و مکرراً اتفاق افتاده و چنانچه آقایان مسبوق است هیچوقت در مجلس مورد اعتراض نشده بلکه هیچوقت اتفاق نیفتاده که مجلس در این موضوع مختصر صحبتی هم بکند مخصوصاً در شعبه که بنده بودم دوسه فقره اتفاق افتاده بود علاوه بر این بنده نمی دانم هرگاه مجلس مقدس در یک مورد مخصوصی که اسباب زحمت ایجاد شده اگر رأی بدهد بدون اینکه ماده قانون را الفا کند یعنی ماده قانون بجای خودش باشد ولی در این مورد مخصوص مجلس رأی بدهد که یک نفر مأمور برود و انتخابات آنجا را در تحت نظر خودش از روی صحت انجام دهد چه ضرری خواهد داشت و اگر یک ضرر اساسی برایش کار ترتیب می دانستم البته بنده هم مخالفت می کردم لیکن بنده می بینم علاوه بر اینکه ضرر ندارد نفع هم دارد الان چهار صد نفر چنانچه تلگراف بمجلس مقدس و هیئت دولت رسیده در تلگرافخانه متعین هستند و می گویند انجمن نظار آراء را از هر کس می خواهد می گیرد و قرائی را که تابع آباد است یک دهی که پانصد خانوار بیشتر نیست ۱۵۰۰ ورقه تعرفه فرستاده اند و جاهائی که هزار خانوار است چهار صد ورقه تعرفه منظور داشته اند و یک ترتیب زشت نامه جاری روی کار است که بنده می خواهم عرض کنم در این مورد کلمه انتخاب جایز نیست اطلاق شود و فردا که صورت مجلس این انتخابات بمجلس آمد یک تلگرافات متضادی هم میرسد آنوقت شعبه بطور تشخیص بدهد که کدام حق و کدام باطل است ما در موضوع این ماده قانون که هیچ ضرری هم با انتخابات وارد نمی آورد این طور اظهار حرارت می کنم ولیکن در ماده دیگر قانون که تصریح می کند اگر یک انتخابی از روی تهدید یا تطمیع واقع شد باید تهدید و تطمیع کنند دوسال توقیف بشود و مجازات شود

این ماده نه از طرف دولت و نه از طرف دیگران ابداً در نظر گرفته نمی شود در هر حال عقیده بنده این است که یک مأموری باید خود را دو روزه با انومیل برساند و اینکار را انجام دهد

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله — امیدوارم آنچه را که بنده تصور می کنم واقعیت نداشته باشد زیرا حدس میزنم سیاست و انتریک متعین و داوطلبان و کالت ولایات دارد در مجلس تأثیر و بروز می کند بهمانچه که راجع با انتخابات صحبت کنیم انتخابات قانونی دارد معین حالا می بینم دوسه جلسه است راجع با انتخابات آباد یک پیشنهاداتی می شود آخر ما یک دولتی داریم و یک قانونی داریم که وظایف انتخابات را معین کرده است در آن قانون تصریح می کند که شکایت مانع از جریان انتخابات نیست حالا دولت اگر مأمور خودش را خائن می داند معزول کند بنده معتقدم که دولت مکلف و موظف است که بموجب قانون انتخابات در جریان انتخابات بر حسب نظارت خودش رفتار کند ولی حق ندارد انتخابات را توقیف کند باید نظارت خودش را کاملاً اجرا کند اگر دید مأمورش خلاف قانون صکرده است او را تغییر بدهد و مجلس هم حاکم قضیه است اگر انتخابات را برخلاف قانون دید البته ترد می کند آن چه بنده حدس می زنم این است که دوسه نفر کاندید آنجا که شاید در طهران باشند می خواهند مقاصد خودشان را توسط مجلس اجرا کند و بنده هیچ نمیدانم که مجلس در این باب مذاکره کند و ابداً مربوط بماند

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا — دو مطلب است که باید از یکدیگر تمیز شود این مسئله احساسی است یکی اینکه نسبت بهر یک از قوانین و هر یک از کارها اثر قلیلی در زمینه نفع کثیر شریعت بنده عرض می کنم نظر ما باین نیست که اگر انتخابات آباد توقیف بشود برای اهالی آنجا بهتر

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله — امیدوارم آنچه را که بنده تصور می کنم واقعیت نداشته باشد زیرا حدس میزنم سیاست و انتریک متعین و داوطلبان و کالت ولایات دارد در مجلس تأثیر و بروز می کند بهمانچه که راجع با انتخابات صحبت کنیم انتخابات قانونی دارد معین حالا می بینم دوسه جلسه است راجع با انتخابات آباد یک پیشنهاداتی می شود آخر ما یک دولتی داریم و یک قانونی داریم که وظایف انتخابات را معین کرده است در آن قانون تصریح می کند که شکایت مانع از جریان انتخابات نیست حالا دولت اگر مأمور خودش را خائن می داند معزول کند بنده معتقدم که دولت مکلف و موظف است که بموجب قانون انتخابات در جریان انتخابات بر حسب نظارت خودش رفتار کند ولی حق ندارد انتخابات را توقیف کند باید نظارت خودش را کاملاً اجرا کند اگر دید مأمورش خلاف قانون صکرده است او را تغییر بدهد و مجلس هم حاکم قضیه است اگر انتخابات را برخلاف قانون دید البته ترد می کند آن چه بنده حدس می زنم این است که دوسه نفر کاندید آنجا که شاید در طهران باشند می خواهند مقاصد خودشان را توسط مجلس اجرا کند و بنده هیچ نمیدانم که مجلس در این باب مذاکره کند و ابداً مربوط بماند

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا — دو مطلب است که باید از یکدیگر تمیز شود این مسئله احساسی است یکی اینکه نسبت بهر یک از قوانین و هر یک از کارها اثر قلیلی در زمینه نفع کثیر شریعت بنده عرض می کنم نظر ما باین نیست که اگر انتخابات آباد توقیف بشود برای اهالی آنجا بهتر

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا — دو مطلب است که باید از یکدیگر تمیز شود این مسئله احساسی است یکی اینکه نسبت بهر یک از قوانین و هر یک از کارها اثر قلیلی در زمینه نفع کثیر شریعت بنده عرض می کنم نظر ما باین نیست که اگر انتخابات آباد توقیف بشود برای اهالی آنجا بهتر

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا — دو مطلب است که باید از یکدیگر تمیز شود این مسئله احساسی است یکی اینکه نسبت بهر یک از قوانین و هر یک از کارها اثر قلیلی در زمینه نفع کثیر شریعت بنده عرض می کنم نظر ما باین نیست که اگر انتخابات آباد توقیف بشود برای اهالی آنجا بهتر

است باید شراست و البته باید نظر ما
باساس انتخابات باشد
قانون که این مطالب را پیش بینی
کرده است نه برای آن موقع است بلکه
مجلس مقدس باشد ممکن است در يك
موافقی مجلس نباشد و برای عموم انتخابات
هم اینگونه شکایات نباشد چنانچه ملاحظه
فرموده اید در يك انتخاباتی که هشتصد
نفر همه انتخاب کنندگان است بواسطه
اختلاف کاندید پنجاه شصت نفر چقدر
تولید شکایت می شود و اما اگر امروز این
حق را بدهم البته بعد از این هم دولت
های وقت برای خود حقی فرض خواهند
کرد که در مواقع دیگر هم انتخابات را توقیف
کنند و بیچوقت اکثریت پیدا نخواهد شد
و وکیل مجلس نخواهد آمد اما اینکه آقای
سید الملک و کازرونی فرمودند در بعضی
انتخابات از قبیل انتخابات همدان و غیره
توقیف بعمل آمده است ما می گوئیم توقیف
انتخابات خلاف قانون است دولت های وقت
مطابق قانون حق ندارند انتخابات را توقیف
کنند ولی این هیچ ضرری به انتخابات شخصی
که وکیل شده ندارد و اگر اعتراض
می بایست بشود باید بآن شخصی که در
آنوقت انتخابات را توقیف کرده است بشود
دولت حاضر و دولتی که مجلس را افتتاح
کرد داخل در هیچیک از ادوار گذشته نبود
که انتخابات را توقیف کرده باشد احرفی
بآنها بزنیم و اعتراض بکنیم در این دوره
هم ما باید بدولت خاطر نشان بکنیم که
مطابق قانون توقیف انتخابات ابداً صحیح
نیست ولی چنانچه دیروز هم بنده عرض
کردم برای آزادی اشخاص و رأی دادن
برای جلوگیری از دسایس و عملیات خلاف
قانون حکومت یا هر کس که بخواهد از
مجرای قانون تخلف کند ممکن است مجلس
آن انتخاب را رد کند چنانچه دیدیم در
همین دوره که راجع به انتخابات آباده بود
شاهزاده معتمد الدوله بواسطه بی ترتیبی
که در انتخابات آنجا پیدا شده بود باتفاق
رد شد و هیچکس مخالف نشده معلوم است
وقتی انتخابات اساسش غلط باشد منتحب
از بهترین اشخاص هم باشد.
هر کس باشد از طرف مجلس رد خواهد
شد و هر چه در قانون ذکر شده دو حق او
اجرا خواهد شد ولی اینکه آقایان اطلاعاتی
دارند و يك تلگرافاتی برای آنها رسیده
و برای انتخابات ضرری دانند باید اقداماتی
بشود که بطور آزادی انتخابات آنجا بشود
و بر فرض که بموجب قانون انتخابات رفتار
نشده و وکیل آنجا را رد خواهیم کرد
رئیس — در این باب مذاکرات
کافی نیست
(اغلب گفتند کافی است)
رئیس — تکلیف این را چطور معین
میرمایند

ارباب کیخسرو — اجازه میفرمائید
قانون تکلیفش را معین کرده است
رئیس — آقای آقا سیدفاضل
(اجازه)
آقا سیدفاضل — بنده موافق
هستم
رئیس — با عدم توقیف موافقت
آقا سیدفاضل — بلی
رئیس — (خطاب آقای ارباب
کیخسرو) شما هم موافقت
ارباب کیخسرو — بنده هم با عدم
توقیف موافقم
رئیس — آقای گروسی شما چطور
شیخ محمد حسن گروسی —
موافقم
رئیس — آقای سهام السلطان هم
موافقت
سهام السلطان — بلی موافقم
رئیس — آقای سلیمان میرزا
چطور
سلیمان میرزا — مخالفم
رئیس — بفرمائید
سلیمان میرزا — با اینکه فلسفه را که
آقایان در نظر گرفته اند صحیح است
و اینکه حضرت والا شاهزاده محمد هاشم
میرزا می فرمایند (ارتکاب شرقلیل برای
نفع کثیر جایز است) در همین ضمن هم
البته تصدیق خواهند کرد که اگر يك فکری
کنیم که این شرقلیل هم ساکت شود بهتر
است در این مورد از یکطرف قانون بگوید
جریان انتخابات تعطیل برقرار نیست و نباید
جلوی او را گرفت چنانچه ایشان هم فرمودند
و صحیح است ولی بنده عرض میکنم اگر
فرضاً يك حاکمی که وظیفه اش تشکیل
انجمن نظار بود انجمن تشکیل داد آنوقت
با يك ترتیبات دیگری خلاف آن انجمن
نظار را تشکیل داد یا برله یا بر علیه یکی
و بعد دولت ملتفت شد که اساس این کار کاملاً
برخلاف قانون بوده یعنی آن انجمن نظاری
را که انتخاب کرده اند ابداً صلاحیت نداشته
و یا آن انجمن با خود حکومت مشغول
دسایس شده و همچنین سایر خلاف قانون
هایی که ادعا میکنند در آنجا واقع شده بعضی
با اسلحه در انجمن انتخابات هستند و مردم را
تهدید میکنند در این صورت ما باید صبر کنیم
و بگذاریم انتخابات تمام شود و بعد در موقع
استینافی هم که باز بهمان انجمن نظار که
مردم از او شکایت دارند رجوع می شود و
اعتبارنامه را که خودشان درست کرده اند
البته تصدیق میکنند و وقتی هم که آن اعتبار-
نامه بمجلس می آید ما می آئیم صورت
قانونیش را درست کنیم و رأی بدهیم این
مطلبها بعقیده بنده يك شری است که
اینقدرها قلیل نیست ولی همانطور که آقای
رئیس فرمودند می خواهم در ضمن مخالفت
عرض کنم که اینجا معلوم نیست ما در چه

رأی می دهیم و در چه رأی می گیریم و در
چه مذاکره کافی است در قانون عدلیه که
خواهند تفسیر کنیم سه چهار روز در آن
مذاکره شد و بالاخره يك رأی هم اکثریت
مجلس داد دیلم مناط اعتبار نیست و بنده هم
چون در اقلیت ماندم اطاعت کردم اما مجبور
نیستم آنرا بپسندم و هر وقت هم همه عقیده
پیدا کردم یعنی هر وقت شاگردان فارغ -
التحصیل مدارس این کرسی ها را اشغال
کردند آنوقت این اکثریت را بهم خواهند
زد و تا آنوقت آرزوی من همین است و هر
وقت فرصت کردم می گویم که دیلم محل
محل اعتبار است حالا هم راجع باین ترتیب
بنده می خواستم تقاضا کنم که اگر آقایان
موافقت فرمایند چون مقصودی غیر از حفظ
قانون نداریم این مسئله را عوض اینکه در
مجلس هلنی رأی بدهیم در خارج بنشینیم یا
از دستجات مختلفه باسم هیئت ائتلاف یا در
اینجا مطرح شود یا در کمیسیون داخله و یا
در کمیسیون که راجع بقانون انتخابات
است مطرح بشود اشخاص مختلف هم
نظریات خودشان را بفرمایند و يك راه حلی
پیدا کنیم که نظریه آقایان موافقین هم حفظ
شده باشد بعبارت آخری مشکلاتی را که
فرض کردیم ببینیم برای این مطلب چه راه
حلی پیدا میکنیم زیرا بعضی از قوانین که
سابقاً نوشته شده در آن موقع البته بمناسبت
وقت و مقتضیات وقت بوده اما بعد چون
موقع و مقتضیات تغییر کند باید درست
فورری و وقت کرد چنانچه (بطور مثال
عرض میکنم) هیچ جای دنیا مرسوم نیست
که قانون اساسی آنها تغییر و تبدیل پیدا
بکند ولی قانون اساسی ما را بمقتضیات آن
روزه راه تغییر و تبدیلیش را بسته اند در هر
حال فرض بنده این بود که اگر آقایان
موافق باشند این مطلب بیک از کمیسیونها
رجوع شود که در آنجا مطرح شده شاید
يك راه حلی پیدا کنیم دیگر بسته بنظر
اکثریت است هر چه اکثریت تصویب کند
مطاع و معتبر است
رئیس — آقای آقا سیدفاضل
(اجازه)
آقا سیدفاضل — بنده خیلی تعجب
میکنم رفته رفته چیزهایی که در دوره فترت
متداول بوده است ما می خواهیم لباس قانون
بآن بپوشانیم و در مجلس مطرح مذاکره
کنیم و رأی بدهیم که توقیف انتخابات که
برخلاف صریح نظامنامه انتخابات است بعمل
نیامد بلی در دوره فترت خیلی وقایع واقع
شد قانون را نقض است انداجرا کنند ولی هرگز
دیده نشده که با بودن مجلس انتخابات توقیف
شده باشد یعنی بنده در خاطر ندارم که
توقیف شده باشد یا مأموری فرستاده باشند
بجهت اینکه در نظامنامه انتخابات تمام این
مطالبی را که شاهزاده سلیمان میرزا فرموده
اند تعیین کرده است و چنانچه فرمودند فعلاً

خلاف قانون رفتار کردن حکومت با انجمن
نظار احتمالی است و ممکن است برعکس
باشد اگر می خواهند يك تصمیم جدیدی اتخاذ
شود باید نظامنامه و قانون انتخابات را
تغییر داد نه آنکه تصرف در سواد آن کرد
قانون انتخابات با خیلی فصاحت و بلاغت
می گوید (شکایت از انتخابات مانع از
جریان انتخابات نیست) و محاکمی برای
شکایت از انتخابات قرار داده اند اولاً انجمن
نظار که محکمه ابتدائی است و بعد بشعبات
مجلس می فرستند و بنده تعجب میکنم با آن
پیش بینی که در نظامنامه انتخابات شده چرا
باید در مجلس باره مذاکرات بشود و راجع
بآن مسئله که حضرت والا فرمودند چون
بنده هم شرکت داشتم عرض می کنم که
اکثریت هیچوقت دیلم را رد نکرد اکثریت
فقط تغییر ماده قانون را کرد و راجع بمرسه
حقوق که در قانون پیشبینی کرده اند و
محصلین دیلم آنجا بدون امتحان در عدلیه
قبول میشوند باید از روی پروگرامی باشد
که مجلس معین می کنند و وقتی که پروگرام
آنجا از مجلس گذشت البته این ماده هم
معمول به و مجری خواهد شد و محصلین بمرسه
سیاسی هم که در وزارت خارجه هستند اگر
پروگرام شامل تحصیلات آنها هم شد البته
آنها هم داخل می شوند و خیلی ما تشکر
می کنیم که همه حکمرانی های و کالت را
اشخاص تحصیل کرده اشغال کنند
رئیس — آقای جلیل الملک موافق
هستند یا مخالف
جلیل الملک — بنده اساساً با
توقیف موافق نیستم ولی در شعباتی که بودم
چندین فقره از انتخابات ولایات توقیف شده
بود و يك سابقه هائی هم دارد که در مجلس هم
تصویب شده است بنده مخبريك نفر از
نمایندگان مازندران بودم که در آنجا هم
توقیف اتفاق افتاده بود و انتخابات
آذربایجان هم نه فقط توقیف شده بود بلکه
تمام آراء آنرا هم سوزانده بودند
رایرت آنرا هم خود بنده مفصلاً بمجلس
دادم و مجلس هم تصویب کرد در این صورت
يك سابقه هائی برای دولت هست که اگر يك
اتفاقی افتاد جلوگیری و توقیف کند پس
بنا بر سابقه دولت يك اقداماتی کرده و
رایرت هم داده و محل تعرض هم نیست حالا
اگر مجلس می خواهد از آن سابقه جلوگیری
کند باید بتوسط کمیسیون تجدید نظر در
قانون انتخابات جلوگیری کند که دیگر
برای انتخابات آتی اتفاقات نیفتد
رئیس — آقای تدین موافقت یا
مخالف
تدین — با توقیف مخالفم
رئیس — بفرمائید
تدین — خیلی لازم می دانم که توجه
آقایان را جلب کنیم باین چند جمله مکرر

می شود سابقه اینطور بوده پس باید بحکم سابقه رفتار کنند کدام سابقه آن سابقه را که صحبت است سابقه است که از روی مجاری قانون باشد اما اگر معتقد باشیم که سابقه در غیاب مجلس و دوره فترت صحبت است باید تمام قضایا را تصدیق کنیم و حال آنکه ما تمام قضایا را تصدیق نمی کنیم اگر مجلس کاری را کرده آن سابقه می شود اگر آقایان در خاطر داشته باشند در ضمن مذاکره همان رایورتهای مکرراً مذاکره شد که دولت حق نداشته که انتخابات را توقیف کند پس سابقه در دوره فترت بهیچوجه سابقه نیست و مداخلت ندارد اما در بودن مجلس اگر عملیاتی بشود و مجلس تصدیق کند ممکن است سابقه بشود از اینکه بگذریم میرسیم باصل قانون ماباید حافظ قانون باشیم مادام که این قانون نسخ نشده است مادام که این قانون بر اثر خودش باقی است این قانون محترم است و باید به موقع اجرا گذاشته شود.

پس آن آقایانی که موافق با توقیف هستند اگر از راه دیگری وارد می شدند و اصولاً یک طرح قانونی پیشنهاد می کردند که این ماده قانون نسخ شود و ماده دیگری بجای آن باشد این مطلب ممکن بود ولی مادام که این قانون بحال خود باقی است و صریحاً می گوید شکایات مانع از جریان انتخابات نمی شود هیچ منطقی ندارد که ما بگوییم انتخابات را توقیف نکنند اگر امروز ما این رأی را بدهیم و فردا در یک مورد دیگر شکایتی برسد و ما رأی ندهیم آن وقت قضیه یک بام و دو هوا خواهد شد بنا بر این مادامی که آن قانون هست و می گوید شکایات مانع از جریان انتخابات نیست باید انتخابات جریان پیدا کند تا موقعی که آقایان موفق شوند و یا مجلس تصمیمی بگیرد که یک تغییر و تبدیلی در این ماده داده شود.

اما راجع باصل شکایات کدام انتخاباتی است که دارای شکایت نیست البته هر قدر جریان انتخابات بیشتر بود شکایات هم بیشتر خواهد شد برای اینکه اشخاص داوطلب برای انتخابات زیاد می شوند و هر کدام بارتی و طرفداری برای خود پیدا می کنند و معلوم است هر دسته که دید مغلوب می شود شروع می کند بشکایت کردن.

پس بنابراین بنده مخالف هستم که با بودن مجلس (مادام که آن ماده قانون از بین رفته) مجلس رأی بتوقیف بدهد رئیس - آقای حائری زاده چه حالی دارند مخالفند یا موافق.

حائری زاده - بنده اصلاً عقیده دارم که مشول این مطلب دولت است.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده تمجب می کنم که در جلسه پیرروز تکیه گفته حضرت والا این بود که جز قانون چیز دیگری نباید اجرا بشود و حالا بچه دلیلی می فرمائید که مسئله توقیف اجرا بشود و حال آنکه قانون استثناء بردار نیست در مملکت مشروطه فقط قانون حکمفرما است در ماده ۴۴ قانون انتخابات می گوید (اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان کسی در این انتخابات شکایت یا ایرادی راجع به انتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود.

معنی این پیشنهاد دولت لغو کردن این ماده است و بنده با آقای حائری زاده هم موافق نیستم که می گویند اختیار با دولت است که این ماده را لغو کند دولت بهیچوجه این اختیار را ندارد بنده مکرر عرض کرده ام و باز هم عرض می کنم در ایام فترت هر اقدامی که مأمورین دولت کرده اند بکلی لغو و غلط است و بهیچوجه سابقه هم نمی شود.

فقط حکومت و قضاوت در امر انتخابات موجب قانون انتخابات بدو مقام داده شده یکی با انجمن نظارت و اگر انجمن نظارت نتوانست قضاوت کند و یا اغماض عرض کرد یک جای بالاتری را برایش قرار داده اند که آنهم مجلس شورای ملی است اگر یک نماینده از اینجا برود ممکن است یک نظر خاصی داشته باشد و بسایک نظریات دیگری اتخاذ بکند نباید فراموش بکنیم دوره را که نظیر همین قضیه راجع به سلسله نمایندگی سازه و زرنده پیش آمد باوجود اینکه نماینده هم رفت و صحت انتخابات را تصدیق کرد بااینحال مجلس انتخابات آنجا را رد کرد برای اینکه نماینده نتوانسته بود قضاوت کند اینکه می فرمائید در چه باید رأی بگیریم عرض می کنم این قانونی است که مجلس رأی داده است باید باقی بماند این قانون را پیشنهاد کرد تا قانون دیگری بجای آن وضع شود و یا اینکه بمقاد همین قانون باید عمل شود.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - گمان میکنم برای آقای ارباب کیخسرو یک سوء تفاهمی روی داده است بنده عرض نکردم با اینکه انتخابات را توقیف بکنند برای اینکه رفع سوء تفاهم بشود عرض می کنم از خداوند توفیق می خواهم که هیچوقت نگوییم بر خلاف قانون رفتار شود و هر ساعتی که قانون در مملکت حکمفرما نشد آن ساعتی است که ما رو به بدبختی میرویم وظیفه تمام و کلا است که فریاد بزنند این مطلب بر خلاف قانون است معنای انجام وکالت در آن ساعت است که نگذارند برخلاف قانون رفتار بشود ولی آنچه الان عرض کردم

این بود که بنظر بنده این قضیه را فعلاً بهیچیک از این مغایرین که عرض کردم رجوع کند (اگر چه صحیح است شکایت مانع از جریان انتخابات نیست بنده هم قبول دارم اما و صدقاً) اما اگر خود انجمن نظارت مابین خودشان کشمکش داشته باشند سه نفر با آن طرف و سه نفر با این طرف آیا در این باب در قانون چیزی پیش بینی شده است؟ بنده که در قانون چیزی در این خصوص ندیده ام حاصل آنکه اگر ما بین افراد انجمن اختلافی پیدا شود و چند نفرشان بگویند که دوسه نفر از رفقای ما مشغول خلاف قانون هستند و دوسه می کنند بجای قانون این مطلب را پیش بینی کرده است بنابراین بدون اینکه طرفدار هیچیک از قضایا باشیم یادآوری کردم که این مطلب سابقه ندارد و بهترین است که اگر آقایان موافقت فرمایند در موقع تنفس هیئت ائتلافی یا یکی از کمیسیون ها منعقد شود و تبادل آراء کنیم و در اطراف قانون شاید راه حلی پیدا کنیم بدون اینکه حالا رأی بدهیم و برخلاف قانون کاری پیش برود یا بعضی ها بگویند برخلاف قانون است.

البته توقیف برخلاف صریح قانون است چنانچه در قانون می گوید (شکایت مانع جریان انتخابات نیست) اما اگر این قسم قضایا که پیش آمده و در قانون هم پیش بینی نشده اتفاق بیفتد تکلیف چیست. اگر آقایان موافق باشند

در موقع تنفس به نشینیم و باهم مذاکره کنیم و یک راه حلی پیدا کنیم و فعلاً در اینجا این مطلب مذاکره شود والا بنده کسی نیستم که بگویم این ماده قانون اجرا شود.

رئیس - من می بینم که همه آقایان موافقت که نقش قانونی نشود پس بهتر این است که در جواب دولت اشاره به همین ماده قانونی شود و در ضمن هم نوشته شود که اگر در این مسئله راه حلی بنظر مجلس رسید به هیئت تذکر داده می شود و در موقع تنفس هم در این باب مذاکره خواهد شد شاید چیزی بنظر آقایان رسید فعلاً رایورتهای کمیسیون بودجه راجع به بعضی مستمریات مطرح است رایورتهای نمره ۳۱ مذاکرات در کلیات است در کلیات مخالفی نیست.

آقای اقبال السلطان اجازه نطق اقبال السلطان - این رایورتهای کمیسیون بودجه بنظر بنده یک طرح قانونی است و در واقع برای دولت تکلیف معین می کند که یک نفر نمی تواند دارای دو شغل باشد و اگر یک نفر دارای دو شغل شد آن وقت حقوقی که باید به او برسد میزانش را معین میکند.

رئیس - این طرح قانونی نیست یک لایحه است که از طرف دولت پیشنهاد شده و به کمیسیون رفته و فعلاً طبع و توزیع

هم شده است

اقبال السلطان - گمان می کنم لایحه قانونی باشد بجهت اینکه دارای مقدمه و مواد است و معین می کند که یک نفر نمی تواند دو شغل قبول نماید و اگر قبول کرد حقوق باو چطور باید داده شود حالا می فرمائید رایورتهای کمیسیون بودجه است و لایحه قانونی نیست بنده تصور نمیکنم رئیس - بنده عرض کردم این لایحه قانونی است و از طرف دولت پیشنهاد شده و مثل سایر لوایح بکمیسیون رفته و از کمیسیون به مجلس آمده است هم رایورتهای کمیسیون و هم پیشنهاد دولت نزد حضرت والا هست.

بدواً بایستی در رایورتهای کمیسیون رأی بگیریم و اگر باز رایورتهای کمیسیون مخالف باشد پیشنهاد می فرمائید آنوقت در لایحه دولت رأی می گیریم دیگر مخالفی نیست.

آقای وحیدالملک (اجازه)

وحیدالملک - من مخالفت اساسی با این لایحه ندارم ولی پس از مطالعه می بینم دو ماده این لایحه راجع می شود بقانون وظائف و دو ماده سه چهار راجع می شود به قانون استخدام و باهم مربوط نیستند من اساساً مخالف نیستم ولی این لایحه راجع است به دو قانون دیگر که یکی قانون استخدام و یکی قانون وظائف باشد حالا باز اگر آقایان موافق باشند که این لایحه باین ترتیب بگذرد بنده مخالفتی نخواهم کرد.

سپهسالار السلطان - منشی - چون اساساً قانون استخدام و ترتیب این طور وظائف از مجلس نگذشته و تکلیف آن معین شده است و دولت محتاج بود به اینکه در موقع عمل یک ترتیبی برای اجرا در نظر داشته باشد که به محذور برنخوردد باین مناسبت این چهار ماده از طرف دولت پیشنهاد شده و کمیسیون هم قبول کرده است البته موقعی که قانون استخدام گذشت بهر ترتیبی که در آن قانون ذکر شد بهمان ترتیب رفتار خواهد شد ولی قانون استخدام وظایف تا از مجلس نگذشته است باید یک ترتیبی برای آن معین کرد که مجرا باشد.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت.

حاج شیخ اسدالله - موافقت.

رئیس - آقای عماد السلطان موافقت یا مخالف.

عماد السلطان - موافقت.

رئیس - آقای زنجانی شما چهارم.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده